

خسارت دیده اند بمحض شنیدن اسم اجنبی اظهار عرت و انکار میکنند دیگر تامل و تدقیق را لازم نمیشمارند، حال آنکه اگر از در انصاف و حقیقت ملاحظه شود معلوم و محقق خواهد شد که ضرر و زیانهایکه تاکنون از امتیاز باجانب مشهود شده همه نتیجه جهل و زرای سابق و نمره سلطنت مطلقه بوده که بطبع رشوت گرفتن و یا محض حفظ مسند مقام آهسته بدیهای بزرگ و عار و سگ های سترک را برای ما گذاشتند و گذشتند و اگر نه از داد و ستد و اجرای معاملات باید خریدار و فروشنده سود بردارند و طرفین منتفع شوند.

ملت ایران اگر تاکنون از امتیازات بیگانه منصرف شده جهت و سبب هائ است که بطریق احمال بیان کردیم، اولاً هیئت ملت در جریان امور مداخله نداشت، ثانیاً هر چه هرکس داده شده بتوان دم جا و پیشکش بود و دهنده را امر به بیک و بد انجام کار و خیر مات نبوده، دو وضعیت متخالف و متضاد را باید یکمیزان گرفت، امروز گردش کارها و مهارمهاست مملکت بدست ملت است باید درست بندیشد و به بیند، آیا به تسهیلات قدرت و توانائی دارد در میدان سیاست همسایگان بهلوانی و زور آزمائی کند یا نه، اگر میتواند و محتاج بحملت و مرور زمان است، باید باید بای دیگربرای بهر قسمیکه ممکن است بمیان آرد تا از شرحضرات عجاله ایمن و آسوده باشد، برای این کار هیچ سیری بهتر از تمایل بدولت آلمان ممکن و مقصوریست دولت مشاورالها همسایگی ما ندارد دیده و دل به استیلای اراضی و زوال استقلال ما ندوخته و نتواند دوخت سهل است حفظ استقلال ایران را از دل و جان آرزومند است، نه تنها آلمان بلکه تمام دول فرنگ جز همسایگان معروف الحال همگی درین معنی شرب بکنند و استیلای غیر را جایز و روا نمی شمارند، برای آنکه مملکت ما بازار مال التجاره و فروش هر امتعه در آنجا آزاد است، ملل غریب برای متاع و نعمات صنعت خود مخرج میطلبند و دنبال مشتری میگردند، این یک حقیقی است که هیچکس انکار نتواند کرد، اگر فرطاً دولت روس بر سر خیابهای خام ثابت ماند

و قلبگاه شرق را به تحت نفوذ و تسلط آورد و پشت سر هم دایره وار پیش رود دول فرنگ چه سودی خواهند برد، دولت آلمان که صدی شصت و پنج نفر از مردمش ارباب حرفت و خداوندان صنعتند دستکاریهای خود را کجا و یکی خواهند فروخت؟ روزنامه های داخلی ما بدون تصدیق درین مسئله عالی تابع جریان افکار سطحی عوام شده همگی یکزبان مقارنت با آلمان را صواب نمی شمارند و صلاح وقت را فقط در استقراض داخلی میندازند، قرض گرفتن از تجار داخله نمی ما عدا نمیکند، وانگهی انبوه ملت را امروز دو احتیاج مبرم هست، و دو هدف مهم را باید منظور داشت، نخست استقلال داخلی، دویم استقلال خارجی، نخستین را ممکن است با استقراض ملی تامین نمود ولی دویم را اگر غلط نکنم با این سلام و صلوات ها نمی توان محکم و استوار کرد، گذشته از آن چه طور میشود اطمینان نمود که در جمع و خرجه قرض داخلی طمع مفرط آن دو همسایگان نیکخواه ما را مخیر و آزاد گذارد و مردم سستی بدم پایمال نه علطاید، با خبران قوم باید پشت و روی این کار درست بشایستگی ملاحظه فرمایند، استقلال خارجی دولت خیلی قابل تامل و شایان رعایت است، تنها و بیکیس، غریب و بیداد رس است، مسلماً رجال کار آگاه دربار هم سهل انکاری نخواهند نمود، وغافل نخواهند نشست، تا سیاست خارجی دولت را بشالوده پایدار و پایه استوار بند و بیونا کنند، و البته میدانند که داد و ستد امتیاز مانده سایر معاملات تا اندازه شخصی است، اگر کسی در یکی دو داد و ستد مضبوط شد لازم نمی آید که دیگر آن شخص مضبوط چندانکه زنده است خرید و فروش نکند و گرد معامله نگردد، آری چیزیکه هست این است که باید فریب خوراند چشما را درست باز کند تا آب بگوشش نرود و اگر نه ترك داد و ستد کردن بهتر نفع خویشتر گفتن و از سودهای هنگفت باز ماندن است و بی کم و بیش مانند کسی است که با کمال تنگدستی و درویشی دو خانه را بروی خود به بندد و مردم آمد و شد نکند، سر انجام این چنین کردن را همه کس میداند که بگوشش نرود.

مزد، و بر سوائی رخت بسرای بستن و نابودی خواهد بود، پس ما که میخواهیم بخواجگی و مهزی زندگی کنیم و همسنگ ملن مستقل دنیا باشیم، نباید در مظنه و راه سوداگری خود را به بندیم و از آمیزش با اقوام جهان بگریزیم، راست است مارگزیده از ویسان سفید و سیاه میترسد، معاملاتی که تا امروز با روسها کرده ایم آنقدر منجر و بیزارمان نکرده که بخربر کنجد و بجمیله تصویر آید

با همه اینها باید امن و نظری بنادای و نایبانی خود کرده مساوت و اقبال دولت آلمان را درین موقع نازک فوز و فلاح بدایم و سلاح و قت را از دست منیم و تمام بینائی و هنر خود را در جهت شرایط قرض و یا مواد امتیاز نامه راه صرف کنیم دست و د بیسته این اقبال فرخنده فال زدن ضلالی است عظیم ولی تدقیق در صورت جریان معامله فضیلتی است بسیار عالی، مثلاً در خصوص استقرار هرگاه عبار سکه پول را وزیرای عظام بیک هیئت مخصوص محول نکنند و قیمت را بر طلا قرار ندهند هیچوقت خزینة دولت را از هجوم ضرر محفوظ نتوانند داشت و مانند قروض سابق اختیار قیمت در هر قسط با بانک روس و سایر بانکها خواهد بود و پول مملکت مثل نرخ اتمه ترقی و تنزل خواهد نمود، همچنین در راه امتیاز راه سگان چند درکار است اول کار کردن معادن که در مجرا و ممبر تصادف میشود باید محتاج اجازه و امتیاز ثانوی باشد. دوم باستثنای مهندسین و معلمین تمام عملیات و مامورین شرکت از مردم داخله باشد و همگی کموت ملی پوشند سیم در وقوع اختلافات میان حکومت و شرکت راه و میان افراد خلق و شرکت طرفین حق رجوع بجهان دیگر نداشته باشند، یعنی در کافیه احوال و مواقع شرکت و بستگان او تابع قوانین محلی شوند و بدایه اعظم رجوع نمایند، به آداب و رسوم مملکت مراعات و بآئین و اصول اهل مملکت حرمت و رعایت کنند فرض این است که در تمهید شرایط و بسط فصول امتیاز چندانکه ژرف بینی و کنجکاو شود جایزه سر زتن و ملامت نیست اصل ملامت و کل مسؤلیت آنجا است

بسیار عظیم و عظیمی باریک و همگان پوشیده فرجام

واژگون نایم

ما باین زودبها از پول و استقرار خارج مستفی نتوانیم شد و در دوره احتیاج روزی از امروز تیره تر و سخت تر نداریم و برای گره گشائی هیچ دستی پسندیده تر از دست ملت آلمان نمی توان تصور کرد که پیوستگی با خاک ما ندارد و از عهده جواب رفقا هم بر می آید

این معانی را کسانیکه نظری دقیق در گردش کارهای درون و بیرون دارند میدانند و دستوران کشور همه آگاه و مطلعند، ولی باید سایر طبقات خلق هم باشاراتی که شد بر خورد و حکومت را درین باب یابوری و همراهی کنند، تمایل با آلمان و عقد یک معامله ولو اینکه خیلی حزنی هم باشد گذشته از فوائد مادی پاره منافع معدوی هم دارد که سر آمد همه اثبات مالکیت خودمان است در اراضی و عالم سیاسی ایران چه تا کنون دول همسایه از جهالت ما استفاده نموده و در محصر سایر دول جهان را نمود کرده اند که در معاملات ابراش بیصواب دید آنها نباید کسی داخل شود، بویژه از وقتیکه ائتلاف معلوم میباش ایشان حاصل شد و کشور ما را پیش خود بنطقه های موهوم تقریق کردند، حالا اگر داد و ستدی با آلمان واقع شود بسیاری ازین خرافات را خط ترفیق و بطلان خواهد کشید و اثرهای نیکو خواهد بخشید، بدین است که این آغاز شده و بشده از دربار همسایگان اعتراضات متوالی و تهدیدات خفی و جلی خواهد شد نظیر همان تهدیدات که پیش از ورود بطهران بمحضرت سردار اسعد و سپهدار شد، اما باید بهیچ وجه اعتنا نکرد و با همان متانی که درین ده ماه هیئت وزرا مهمام مملکت را رأیت کردند و در برابر ناگوارپاسیه داخله و خارجه سینه سپر نمودند درین وقت نیز دست بدست داده و بیسای مردی فطری استقلال خارجی دولت را مصون و محفوظ دارند

علی اصنهایی

حایگاه ایران در پاتیک دنیا

(بجم می مطابق ۲۵ ع ۲)

بصدارت جناب (لورد امینگلتن) سکه

بسیار فرمانفرمای صوبه بمیشی و از او این رجال

هند و ایران میباشد و اولین دو سه ساله اخیر زحمتشان در ترقی ایران و حیاه شان از حقوق ایرانیان پیش از آنست که به تقریر و تحریر درآید چنانچه دو هفته قبل نطق برسیاست و مضر ایشان را که در مجلس اعیان لندن (هاوس آف لارد) در ماده ایران ایراد فرموده و سؤالات سختی که از حکومت نموده در شماره ۴۱ جبل المتین درج نمودیم، در انجمن وسط آسیا (سنترل ایشین سوسیاتی) (مستر برنارد تپل) دیر روز نامه (سیول اند ملیتری گازت) لاهور « که سال گذشته بسیاحت ایران رفته و از اداره جبل المتین نیز معرفی های لازمه در بعض نقاط از ایشان شده و تلگرافاً بحجاب مستشارالدوله رئیس پارلمان معرفی ایشانرا نموده بودیم » از سیاحت ایران فرائد حاصل نموده همین ایام با معلومت کافی وارد لندن گردیده حلق دیل را ایراد فرمود

امروزه در ایران سه خیال تازه تولید شده و هر آن درنشو و نماست، و این خیالات بتدریج در عثمانی و هند و مصر و عربستان دارد منتشر میگردد و بسایر ممالک اسلامی نیز رفته رفته نشر می یابد

(اول) ایرانیان را عقیده ایست که تمام نفوس کره از سه فرزندان حضرت نوح می باقی مانده شیم - حیفت و هم - مسلمانان عموماً فرزندان شینند و نصارا عاب فرزند حیفت و سایرین از اولاد هم، اگرچه این عقیده از روی تاریخ غلط و بی دلیل است ولی از روی قوایب جغرافی اگر دقت شود تصدیقت را تا درجه ناچاریم - از روی علم اللسان مسلم شده که بی نوع بشر از کوه (ارارت) که واقع در (بایزید) سرحد ایران و عثمانی است منتشر سایر نقاط عالم گردیده اند -

(دوم) این عقیده مربوط به عقیده اولیه است چنانچه میگویند مسلمانانراست که نژاد شیمی را قوت داده ترقی بخشند - و در این شبه نیست که نژاد همی نیز بیدار شده این دو قوم بتلاش دوستی اقوام حیفت سعی و جاهد اند

چنانچه يك طبقه بزرگترین نژادهیمی که ژاپون باشد با بزرگترین فرقه از اولاد حیفت که انگلیسان باشند اتحاد ورزیده و توکان که از نژادشیمی اند

بدین مقصود نایل نیامدند، از این رو چنان می پندارند که اقوام زبر دست با قوم زبردست اتحاد نتواند نمود، و نیز میگویند که مسلمانان در اصول مذهب و تمدن سمت برتری بر ملل روی زمین دارند و همینکه اندک ترقی در مسلمانان عالم نمودار گردد سلسله اتحاد و روابط روحانیت آنها بیکدیگر تواند پیوست، بدون شبهه در چنان موقع اقتدارات پلنگی مسلمانان در این عالم زیاد خواهد گردید

سومین عقیده شان ایست که مملکت ایران بمقتضیات جغرافیائی و ملت ایرانیه بر حسب شان و شوکت دیرینه که مر آنها را مسلم تاریخی جهاست سمت سرداری و ریاست مطلقه بر کلیه نژادشیمی دارد و ایقان دارند که اگر مملکت ایران از قبضه مسلمانان خارج شود حائمه جمیع ترقیات اسلام و اسلامیان باید داست، و این عقیده سبب گردیده است که سرداران جمیع اسلامیان در کلیه دنیا برای اینکه از مقام و اقتدار ایران در پلنگ دنیا نه کاهد بدست و یا اتاده در خلاص و چاره او کوشانند و میتوان گنت این عقیده يك حوش عمومی در قلوب جمیع مسلمانان دنیا پیدا نموده و بالاتفاق بقای استقلال ایران را یکی و کین عمارت پلنگ اسلام تصور میبایند دولت انگلیس تقریباً بر نصف مسلمانان دنیا حکمروا و فرمانفرماست و از واقعات جدیده هندوستان بخوبی ثابت گردیده که استقلال حکومت انگلیس در هند بسته به رضایت و خوشنودی مسلمانان از اوست و بزرگترین مضرتها برای دولت انگلیس اینست که مسلمانان بواسطه مناقشات پلنگی روی محبت از دولت انگلیس بگردانند

بد بختانه می بینیم که مرکز اسلام یعنی ایران از ملت انگلیس بدطن و بدکان می شود و چنان در قلوب ایرانیان جای گرفته که از بعد معاهده روس و انگلیس تجاوزات و دخالت های روس در ایران علنی و بلا مانع مانده است، و چنان پنداشته اند که دولت انگلیس در هر قدمی که روس برداشته و بر میدارد همراه و همراهی با او بوده و هست

اینست که دولت ایران و ملت بیدار آن چاره خود را در این دیده که طامه مسلمانان خاصه اسلامیان هند و ترك را معطوف و متوجه به این منشه دینی ساخته و سازند و در کاهه قلعه طایفه مسلمانان

جایگیر گشته که دولت آلمان با منتهای خلوص و بی
 غرضی در همراهی به مسلمانان قدم می‌زد، و چنین
 پنداشته اند که جمیع اختلافاتی که اروپائیان نسبت به
 آلمان در این سنوات اخیره نموده مبنی بر این بوده
 که آلمان کر حمایت مسلمانان را در هر نقطه بمیان
 بسته است، با اینکه دولت آلمان دارای یک نفر رعیت
 مسلمان نیست و دول ثلاثه انگلیس، روس و فرانس که
 اولی ۷۸ میلیون و دومی ۱۶ میلیون و سومی ۱۵
 میلیون رعیت مسلمان دارند بزرگترین عداوت را با
 نسبت به مسلمانان ظاهر میدارند

اگرچه این عقاید و خیال مسلمانان بی پایه و مبنی
 بر توهمات تصور می شود ولی شک نیست که ما هم
 مرکز ایران را باید در جمیع مسلمانان دنیا محترم
 و اولین مرکز پلتیک اسلام بدانیم

(لارڈ لیمنگتن) فرمود که اعراض و روابط
 دولت انگلیس را نسبت به مسلمانان باید با کمال
 ملاحظه نمود، چنانچه مستر تیل بیان کرد
 اگر ملت ایران از دولت انگلیس بدگن شده باشد
 شایسته سکوت و غرض عین نیست، و لازم است بر
 دولت انگلیس که مساعی حمله نکند برده حس
 ظن ایرانیان را به طرف خود معطوف دارد

مقصود اصلی ملکه شانوده اتحاد روس و انگلیس
 را چینی بیان نموده اند که استقلال و آزادی مطلقه
 ایران است و عموم ایرانیان از این نکته شاکی اند
 که دولتی متعاهدتین بمواد عهدنامه خود پای بند
 نمی باشند، ملند سایر ممالک، ایران با خزینة حالی
 ممکن نیست انتظام پذیرد، ولی شرطیکه برای این
 حزنی استقراض دولتین بایران پیش نموده قدرتی
 سخت بود، که هیچ ملت ذی حس با عبرت آزادی
 زیر بار قبول آن شروط نمی رفت، فقط روس و
 انگلیس خواهان آزادی و استقلال ایران هستند
 بلکه جمیع دول و ملل روی زمین خواستگار آزادی
 ایران میباشد.

مستر لنج و کرل بایت و حتی ارداشمنندان
 دیگر هم درین بحث و مذاکره شرکت داشتند
 اعلان از طرف شرکا تجارتخانه
 (میر عبدالباقی و اولاده)
 (در کرمانشاهان)

ما امضاء کنندگان ذیل شرکتی بموجب قانون

و نظام نامه و شراکت نامه صحیحه تأسیس و آدرس
 خود را فقط (میر عبدالباقی - و اولاده) قرار
 داده و خاطر شریف مراجعین را مستحضر میداریم
 که از این تاریخ به بعد مراجعات و محاسبات جدید
 جنابالی راجع به تجارتخانه مذکور خواهد بود -
 و از آنجا که هر اداره را رئیس و معاون
 لازم است (آقای سید حامی سید حسن - میر
 عبدالباقی) را رئیس (و آقا سید عباس - میر
 عبدالباقی) را معاونت انتخاب نموده -

- (امضاء رئیس از این قرار است)
- (از طرف میر عبدالباقی - و اولاده)
- (الحاج سید حسن میر عبدالباقی)
- (امضاء معاون از این قرار است)
- (از طرف میر عبدالباقی - و اولاده)
- (سید عباس میر عبدالباقی)

و اعلام میداریم که در تمام امورات راجحه
 باین تجارتخانه هر یک از آن دو امضاء فوق قبول
 و بر عهده اداره تجارتخانه مذکور است -

تاریخ جمعه ۲۷ شهریور سید الاول ۱۳۲۸ مطابق ۸
 آوریل ماه فراسه ۱۹۱۰
 امضاء شرکا

حامی سید حسن میر عبدالباقی - حامی سید علی
 میر عبدالباقی - سید عباس میر عبدالباقی - سید محمد
 کاظم میر عبدالباقی - سید احمد آقا میر عبدالباقی -
 سید محمد رضا میر عبدالباقی -



بوجوب اطلاعات واصله جناب شاهراده مکرم
 حاج سیف الدوله از عرہ ریح الاول سہ ۱۳۲۸
 مدرسه تأسیس فرموده معلمین هم از طهران
 از وزارت علوم خواسته آمده اند بمحمدالله تعالی
 مبارکی و مہبت و توجهات حضرت حاجت‌مجل
 الله تعالی فرجه باسلوب جدید تدریس می شود و
 اطفال ایتم را هم مجاناً درس و لباس هم داده
 می شود خوب است سایرین هم اینگونه اقدامات
 فرموده و این چنین کار خانه آدم ساری تأسیس
 فرمایند

تذکرات

(۹ جادی الاول - ۱۹ می)

امروز امپراطور آلمان در (وست منیستر هال)

رقه و يك گلدسته بر قيمت اينار جنازه (ادورد)
هفتم نموده و دعای مغفرت کردند، ورود پادشاهان
جليل القدر در لندن مزید بر توجه اداره نظيه گريده
است و در تمام شوارع و طرق که عبور جنازه خواهد
شد سربازان صب بته مقام احترام خواهند بود
(۱۰ جادی الاول - ۲۰ می)

اعلیحضرت پادشاه جارج و ملکه ماری زوجه
محترمهشان بزرگدسته های قيمت بر جنازه (ادورد)
هفتم اينار نمودند

در قصر (بکینگهم) امروز اعلیحضرت جارج
جمعیت امپراطور آلمان و هفت پادشاه دیگر و ۵۰
نفر از نمایندگان سایر دول مهان بودند،

امروز جنازه اعلیحضرت ادورد هفتم را از
شوارع وسیع عبور دادند، در قصر (وندزور)
داخل کلیسا مابن قبر (ملکه وکتوریا و برانس البرت)
مدفون شدند.

در کلبیای (سنت جارج) جماعتی از اهالی هندوستان
که منجمه آنها نواب والا آغا خان بود به سمت اشتراك
در ترحیم ادورد هفتم در عین قبر با وزراء بنهسته بودند
جنازه را باین ترتیب عبور دادند، (۱) صندوق
جنازه بر عراده توپخانه که خلاصیان جهساز زره
پوش آن را میکشیدند (۲) اسب و سگ مخصوص
(ادورد) و نشان برداران شاهی (۳) (۹) پادشاه و
(۵۷) حکمرانان و ولیعهدان و سایر شاعران و در
هر صی (۲) نفر، صف اول (اعلیحضرت جارج)
و اعلیحضرت امپراطور آلمان و دیوک آف کنات،
صف دوم نمایندگان دول روس و ژاپون و ایتالیا
بودند، و با هر پادشاه يك سوار جمعیت داشت، در عقب
آنها (۱۲) کاسکه ملکه ها و شاعرانده خانها، صف
چهارم وکیل دولت چین کیسیرهای (کندا و استراليا)
صف پنجم مستر روزبولت (مسیو پیشون) و نماینده
دولت ایران بود.

(۱۲ ج ۱ - ۲۲ می)

تازکی باعالی بدول محافظ کريت نوشقه و شکایت
از حکومت آنجا نموده که وکلای مسلمان را از اشتراك
مجلس ملی باز داشته و بعضی اودامات خلاف قانونهم
شده است و روزنامه (تنن) اسلامبول می نویسد که اطمینان
دولت عثمانی از دول محافظ بر طرف شده، لذا
باید يك دسته قشون بحری فوراً فرستاده شود تا

مخالفین حقوق شاهنشاهی عثمانی را سزا دهد،
§ (مسیو پیشون) مشافهتاً به وقایع نگار (رونی)
اظهار داشته که از بیانات وزرای انگلستان مترشح
می شود که ما با خیالات پلنکی آنها برای میباشیم
(۱۲ ج ۱ - ۲۳ می)

بر معاملات ملکی روزنامهجات انگلستان شروع به بحث
نموده اند استدرد می نویسد که اگر حکومت با مجلس
اعیان صلح کند تحریک (لارد روزبری) معطل خواهد
ماند، (دیلی سوز) می نویسد که صلح ممکن است
ولو اسباب اضطرار قوای مجلس اعیان موجود
است، هر چه در هر دوشق موقع بحث مجلس
ملی باقی است،

اعلیحضرت امپراطور آلمان امروز از لندن حرکت
فرمود جمعیت زیادی در شوارع تماشا بودند و انتظام
پلیس خوب بود (اعلیحضرت جارج پادشاه انگلستان)
و شرزاده والا ولیعهد و دیوک آف کنات و خاندان
شاهی تماماً در ایننگاه راه آهن عشایعت حاضر بودند
امپراطور آلمان با (لارد میور) لندن قدری صحبت فرمود
و با کمال محبت اعلیحضرت جارج را وداع نمودند،
(۱۴ ج ۱ - ۲۴ می)

اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان اراده دارند
اسبهای شرطی را که والدشان به ایشان ارث داده
قائم بگذارند و هماره در شرط باشند،

روزنامه (دیلی میل) مینویسد که سبب اخراج
حکومت (کريت) وکلای مسلمان را از مجلس ملی
ایست که در خیر اندیزی پادشاه یونان قسم نخورده
(سر ادورد گری و مسیو پیشون) خلی را مسوده
کرده اند که دولتین روس و ایتالیا هم در آن غور
مایند، مضمونش این است که چون اهالی مخالفت با
دولت اعلائی خود که عثمانی است می نمایند در صورتیکه
آنها تمییر در مسلك خود ندهند دول محافظ کريت
دمه داری حنط آنها را نتواند کرد.

بموجب تلگراف (واشنگتن) برای تمییر دو فرود
جهاز (دریدنات) ۱۳ ملیون لیرا امضاء یافت
بموجب تلگراف (پکن) دولت چین اشاعه نموده
که از سال آینده مسکوکات دوات اعم از مس نقره
و طلا در صدی ده باز خواهد داد،

(۱۵ ج ۱ - ۲۵ می)

تلگرافی از (اولوا) رسیده که بر تحریکات

(مستر تا کس راجع به تعرفه کرک حکومت کنده فوراً جواب داده که فعلاً این مسئله مطرح بحث تواند شد چه وزراء در امورات دیگر مشغول اند، § درایام عزاداری ادورد هتم (لارد دروی) سبهای شرط ادورد هتم را بنام خود گرفته و در میدان خواهد دوآید

§ (لارد روزبری) در (ایدمبرا) ضمن نطق خود ظهار داشت که از ملاقات اعلیحضرت جارج و امپراطور آلمان چشم و گوش عالم باز کردید، ازین رو ظاهر میشود که ادورد هتم صلح را به جانشین خود ودیعه گذارده .

(۱۶ ج ۱ - ۲۶ می)

§ از بعد مراجعت امپراطور آلمان در برلین روز پنجشنبه آلمان بر صلح عمومی بحث می کند امپراطور آلمان اعلیحضرت جارج را به جنرالی فوج (دراگون گارد) مقرر نمود

§ امروز که میلاد علیا حضرت (ملکه میری) بود ۳۱ توب سلام شلیک نمودند .

§ وقایع نگار (دیلی میل) از مصر خبر میدهد که جماعتی از ملتیان بر خلاف (سراسر گورست) نمایند دولت انگلیس شور و عوغا نموده و صدا هارا بلند کرده و ایسکه قبضه و ظلم خارجی را نیست و نابود باید کرد .

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه راجع ایران
روزنامه (طمس) مینویسد که وکیل قشقایی در طهران صورت عهد نامه که بر صورت الدوله امیر عشایر و سردار ارفع شیخ خزعل خان حکمران محمره و سردار اشرف والی (بشت کوه) که دارای شش فصل بوده بحضرت اشرف عضدالملک نایب السلطنه تقدیم نموده ، این سرداران ضمانت و تعهد خدمت بشروطیت و بقای سلطنت شور ویرا نموده و ضامن نگاهداری امنیت طرق و شوارع و توسعه و ترقی تجارت هم در حدود خود شده اند، و نیز سایر ایالات را هم با اتحاد خویش ردوت کرده اند. که با قبول شروط ششگانه هر کس بخواهد میتواند در اتحاد آنها شامل گردد نقشه این اتحاد را صورت الدوله کشیده و علتش هم همانا وسعت دائره اختیارات بمختاریان و تصرفات مطلقه سردار اسعد در دستگاه دولت بود که مورت سلب اطمینان این سرداران بر آینده خود گردیده بود . استندرد مینویسد که دولت آلمان از سه سال

باین طرف سعی در توسعه دائره تجارت خود در ایران خاصه در شمال است چنانچه بتوسط یکی از ارامنه در تبریز دائره تجارت و صنعت خود را وسیع ساخته و همه روزه نیز می سازد

اخبارات آلمان مینویسند که فشار روس وزارت خارجه ایران حکم داده که کنتراتیهای تجارقی را که رعایای ایران با خارجه مینمایند تا وقتی که با مضای وزارت خارجه نرسد محضی و مجری شناخته نخواهد آمد و این امر بواسطه آن است که از آلمان نرسیده اند که مبادا باین وسیله راه دخالتی بیاید و حال آنکه روسیان سهو نموده و ایرانیان خیلی بظلمی هستند، روسها ازین سهو کرده که مسلك آلمان را مد نظر نگرفته تشبثات بجای می آیند. مسلك ما آلمانها خدعه و فریب نیست تا امروز هر اقدامیکه کرده ایم علنی بوده و در هر نقطه حقوق خویش را آشکارا حفظ نموده ایم، و حالا هم درباره ایران چنین می بداریم که از هر قبیل حقوق تجارقی ما ثابت است، و هیچ چیز این حق ثابت ما را از ایران مرتفع نتواند داشت، مسلم است که هر دولت این حقوق ما را ضایع خواهد باید بدو استعد جریان دریا های خون شود، اما صالحی ایرانیان مبی بر آن است که تصور نمی نماید آلمان با آنان هم حالك نیست و هیچ قصد پلنیک در آن مملکت ندارد. حفظ استقلال ایران را ازدو راه خواستگار است . اول ملاحظه خط موازنه قوای سیاسی، دوم برای آزادی تجارت جمیع ملل . چه اگر استقلال ایران محفوظ نماند تجارت آن روی جمیع دول باز نتواند ماند،

این نکته نیز پوشیده نیست که آزادی تجارت يك مملکت محدود در مبادله امتعه تجارقی میباشد بلکه وصول امتیازات تجارقی از قبیل کار کردن در مادن و تشکیل کبابی و بنگ و ساختن راه آهن و شوسه و امثال آن شامل در مواد تجارقی است، پس اگر برخلاف قانون دولتی بخواهد سلب این حقوق را از دولت ایران بنماید و یا مانع گردد ایران را از حصول اینگونه انفعالات آزادی مانع آید آلمان تسلیم نتواند شد و سکوت نتواند نمود، ازین وزیر خارجه ایران که فشار روسیان درین گونه مواد ضاره بحال سیاست ایران اقدام می نماید، تبشه ایست که بر ریشه استقلال ایران زده

میشود، فرق میکند که این عمل سهوی باشد یا عمدی سموم ضاره که باید بکام ایران باشیده شود خواهد یافتید

اخبار ویلر نقل از جرائد روسی نموده مینویسد که از تهدیدات سری و علی اعتدالیون بمجلس و وکلای انقلابیون این اختلافات عسیمه در طهران پیش آمد، چون اعتدالیون که رئیس آنها سردارین میباشند تمام قوای قاهره را قاضیاند وکلای انقلابیون را در برهم زدن مجلس تهدید نمودند این تهدیدات سبب گردید که انقلابیون به تلاش یک قوه قاهره بر آیند نقشه اتحاد صوالت الدوله و سردار ارفع و سردار اشرف پیش آمد، این سه سردار جلیل القدر در مقابل اعتدالیون قوه قاهره انقلابیون میباشند، و این قوه را بحواب تهدیدات اعتدالیون قائم نمودند و بدون شبهه اگر احرار و انقلابیون دارای چنین قوه می شدند بقای مشروطیت در ایران دشوار بود، و اعتدالیون که امروزه دارای همه گونه اقتدار و حکومت و خویشین را مالک رقاب مشروطیت موجوده جلوه میدهند بدون دیدبان مانده ممکن بود که کم بمخاطبات دور و دراز بیوقتند و از تهدیداتشان هم جنب مستاد می شد و با این قوه قویه که انقلابیون حاصل نموده اند از تهدیدات اعتدالیون محسوط خواهند ماند، همین نکته سبب قوت و بقای مشروطیت در ایران خواهد شد، و در حقیقت یکی از اسباب خوشبختی ایران همین واقع است

یک از جرائد روسی مینویسد که دو تیره کی ایران مورث مشکلات نمایندگان روس وانگلیس گردید اعتدالیون خود را بسته روس و انگلیس داسته باستظهار آنها پشت گرم اند، انقلابیون در برابر آنها مایل به آلمان و عثمانی اند، و این دو تیره هر یک دارای قوتی بزرگ شده اند، که اگر مخالفتی پیش آید کار بدشوارهای بزرگ تواند کشید، این است که اعتدالیون دو دسته بروس و انگلیس چسبیده که قشون خود را از ایران خارج نه نمایند، و همچو تصور کرده اند که خارج شدت قشون همسایگان از ایران همان و خاتمه حکومت اعتدالیون همان است و از ادارات هم نیروسی روس چنان ظام می شود که تحریک بفرستادن آن یاد داشت که ایران امتیاز بخارج جز بامضای روس وانگلیس ندهد، از اعتدالیون بوده باین خیال که ملت و انقلابیون را باین مسئله سرگرم ساخته هم از خیال تبدیل حکومت بگذرند و هم چندی از صحبت قشون بیگانه

صرف نظر نمایند، و از این تدبیر قسمی که میخواستند اثرات خود را بخشید چنانچه با آن حواری کذائی فعلاً اسمی از اخراج قشون روس بزبانها جاری نمیباشد، و موقفاً از تبدیل حکومت هم صرف نظر شده سعی اند که بحواب دولتین جواب قانونی و اقناعی بدهند، و مظنون است که بلاصالح این مسئله سبب تبدیل حکومت گردد

اخبار مارتین مینویسد که عدم تجربه کافی سردار اسعد بمعاملات داخله ایران سبب تشکیل یک پارتی عظیمی در مقابل حکومت حالیه گردید، هرگاه سردار اسعد ترك عداوتهای خانوادگی و ایلاتی را گفته با امرای عشایر بانحاد و دوستی سلوک می نمود آنها را منکر حکومت خود نمی ساخت، و یک قوتی در مقابل قوت حکومت نمی تراشید، آنچه محقق گردیده پس از آنکه سردار اسعد برخلاف تصور این گونه ناملامات را مشاهده نمود، مصمم بر قوت یاری شد ولی برای حفظ مقام خود و بقای مشروطیت بزادر خود را باسواران مختیاری در طهران خواهد گذارد، اخبار مذکور می نویسد که اهالی در تبدیل کابینه (اگر بشود) از جدائی سردار اسعد خوشنود نمیباشند، چه این مرد بواسطه پشت گرمی که بایل مختیاری دارد در کابینه آزادانه و با قوت قلب سخن میراند ولی از جدائی سپدار اعظم بچند جهت مسروراند، یکی اینکه سپدار را هوا خواه پلنیک روس بنداشته اند دیگر آنکه میگویند درین یکسال اخیر خیلی پول بوزارت جنگ ریخته شده نتیجه که قابل ذکر باشد حاصل نشده سوم اینکه همچو بنداشته اند که در وزارت جنگ هنوز بازار داد و ستد رشوه گرم است

(دی فلات) مینویسد که بدبختی ایران منحصر به یک را نمیباشد دو تیره کی انقلابیون و اعتدالیون و مخالفت مجلس با کابینه معلوم، تشکیل یک قوه قوی، در مقابل حکومت حالیه نیز ظاهر، رقابت آلمان با دولتین روس و انگلیس هم همین، از همه بدتر بین کابینه وزرا هم اتحاد نمیباشد، و بین سردارین هم صنائی نیست

(جبلالتین)

اشاعات غالب این جرائد مبنی بر پلنیک است و تا حائیکه ما خود مطلعیم بیشتر این اشاعات بر اصل است تلگرافاتی که تازه در اتحاد سپدار و سردار رسیدیم دال بر کذب اینقولات و تمام اختلابات و اختلاطاتی که در داخله ارواقت پیش می آید از پستیهای خارجی است.

(جلد الثین کلکتہ)

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

MAHUL HAFIZ OFFICE

1, MEHRAJ COLLEGE STREET

CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

۲۷ جادی الاول ۱۳۲۸ هجری

(مصادف با)

(۶ جون ۱۹۱۰ میلادی)

ولا حق اخذ ایتره بدون لیس ندارند و تاوانی که
(مشتکی را قبیل مخصوص سال هفدهم دست نیا شد)
(ذمه شان بری شناخته نمیشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۳ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

نامه مقدسه

المشائک

سنة ۱۳۱۱

(مراسلات مخصوصی بدون امضای)

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراحت)

بهبتری روس و انگلیس در ایران

این مسئله قابل انکار نیست که دولت ایران باید با جمیع دول و ملل در آشتی سکوبد و ابواب داد و ستد خویش را روی مالیات باز گذارد با دول همجوار خاصه روس و انگلیس که روابط سیاسی و تجاری و تعلقات سرحدی دارند و هو دولت عظیم الشان همایه ابراهیم پش ازسازین باید مربوط و متحد باشند، چه طبیعی است که من جمیع الجهات روابط همسایگان نسبت به مردمان دور و دراز پیش است، و ایرانیان این نکته را بخوبی دانسته که در دوستی و روابط با همسایگان طبعاً ناچارند و بلاشبهه اگر ترک مودت و دوستی گفته شود هماره مایه زحمت و مزید مناقشات و گرفتاری شان تواند گردید، چون این اصل طبیعی را بالاصاله ملاحظه کنیم و از طرف دیگر فرت اعلی ایران و توجهشان را بدولت نانی که هرازان فرسنگ دور از آنها است بنائیم، بلاشبهه تصدیق خواهیم نمود که این منافرت بدون علت تولید نشده و علت آن نیز جز زیادتی یک طرف و زیان رسانی بطرف دیگر تصور نمی شود، و نظر بر اینکه از صد سال باینطرف دولت ایران را بواسطه ضعیفی که تاری شده فدوت اجتناف و زیادتی همسایگان باقی نمانده بلکه بالعکس از زمان فتح

علیشاه قاجار تا کنون همه روزه ایران محل تکابوی همسایگان واقع گردیده، یکی قفقاز و ترکستان را می برد. دیگری بلوچستان و افغانستان را مجزی می نماید ۲ آسکه کار بجای کشید سرحد ایران که از طرف سند و پنجاب به سیستان و خلیج فارس تمدسد و از طرف دیگر که قفقاز و داغستان بود بانزلی و خراسان حاتم یافت، و درین دوره اخیر همسایگان باندازه از ضعف ایران فائده برگرفتند که بدون مانع و بلاجه قشون بداخله ایران سوق داده به کنایه و اشاره بلکه بصراحت دعوی قیومیت ایران را مینمایند - این دوره نورانی که نسیم آزادی از غرب بشرق وزیده و اسباب بیداری شرقیان سکردیده ایرانیان ذیخس و مدوک که شرف تاریخشان اسکار پذیر نیست و هرازان سال در مقابل هر سختی و در برابر هر شدت حفظ استقلال خویش را نموده اند پیش از ملل ساثره شرق بی محقوق خود بوده چشم کشاده ملاحظه می کنند که دو همسایه مهربان شان بهوض مراعات همجواری عمو ابدی آنها را خواستگار شده اند. چون درخود از روی عدم وقوف قوه مدافعه با دو همسایه ندیده مانند ضریب متشبث بر حشیش میکوایند، این امر پوشیده نیست که ایرانیان بواسطه ضعف که نتیجه جهالتشانست یکصد ساله خود در هرگونه معامله و مرارده اروپائیان

مقبول گردیده طرف نه بسته و ازین روی میتوان گفت طبعاً مائل بمعامله با جنس اروپائی نمی باشند یعنی باختیار دست توسل و وداد با آلمان ندادند نخواهند داد.

پس امروزه اگر رجحان طبیعی و میلان قلبی شان بطرف آلمان دیده می شود، محض نجات ورهائی از فشار دو همسایه خود یعنی روس و انگلیس است. هرگاه دولتین روس و انگلیس بر حسب معاهده که بین خود عمده آزادی ایران را توقیر مینمودند و مراعات حقوق همسایگی و ملاحظه دوستی چندین صد ساله ایرانیان را می کردند و همان حقوقیکه در ایران داشته قناعت کرده در این موقع انقلاب و شداید فشار بر ایران نیاورده مأمور داخله شان دخالت غیر مشروع نموده و آنها را بحال خود میگذاردند، هیچگاه پیرامون اتحاد نائی نگردیده بلکه اگر دولت نائی مانند آلمان میخواست دم از اتحاد با ایران زند با هزاران ضررت رو از وی میگردایدند، ولی حال که فشار این دو همسایه را دیده دو دسته بدامن آلمان و عثمانی چسبیده علاج افسد را بفساد یا فاسد را با فسد می جویند

هرگاه دولتین روس و انگلیس خواستار محبت و مودت ایرانیان باشند بدو باید قشون خویش را از ایران کشیده ایرانیان را بدوستی خود اعتماد بخشند و از طرف دیگر تهدیدات پلنتیکی را تبدیل بمخواستار دوستانه نموده در موقع لزوم در تأیید مالی بایران با شرایط سهله دریغ ندارند و اقلاً ایرانیان را از حصول تأییدات مالی در بازار صرافان اروپا مانع نیابند، در آن صورت نه آلمان در ایران پیش قدمی خواهد نمود و نه ایرانیان مائل بدوستی نائی خواهند گردید.

امروزه خیر روس و انگلیس در اتحاد صمیمی بی عمل و عش با ایرانیان است، امروزه تکلیف نهمی به ایرانیان نمیتوانست نمود. چه فرد اهالی ایران آنچه باید از مقاصد همسایگان و حفظ حقوق و منافع خویش بفهمند فهمیده اند، و تا جایکه امکان داشته باشند دوباره ریش خود را بدست همسایه نخواهند داد یعنی احتیبار راه آهن بایران نخواهند داد، پس دولتین در این جهت

که خود ایرانیان را تأیید در ساختن راه آهن نموده پس دوستانه بخواهند که امتیاز به آلمان یا دیگری ندهند ورنه اگر بهمان مسلک دیرینه که فشار بدربار بود بخواهند هم حقوق از ایرانیان حاصل کنند و هم استقلال آنها را بر باد دهند و هم مانع ازدوستی و الفت شان با دولت نائی باشند محال و محتمل است که مقضی المرام و کامروا گردند، چه حرکت ناپسندگان این دو همسایه در ایران ایرانیان را بقسمی از جانی خود بیرون برده که نفع و ضرر خویش را نسنجیده متمسک بهروشته و متوسل بهروسیله ولو مضر بحال ایشان باشد در نجات خود از فشار دو همسایه خواهند گردید و چون در هر مقاله رعب و جبن طبعاً زائل میگردد، یقین بدانند که رعب و جبن صد ساله ایرانیان از همسایگان نیز در اولین مقابله مرتفع خواهد گردید، چنانچه هر ذمیدرکی تصدیق تواند نمود سکه انقلابات سه ساله ایران خیلی از سرعویت ایرانیان کاسته و همه روزه نیز میگذارد - فقط جزئی رعی از همسایگان در دربار ابراش باقی مانده که او نیز عنقریب زایل خواهد گردید چیزیکه خیلی اهمیت دارد و میتوان سبب عمده و علت بزرگ استقلال ابراش گفت همان توجه ایرانیان بفداکاری و جان نثاری در راه استقلال وطن است - امروزه هر ایرانی را عقیده این است که شجره آزادی جز به آبیاری خون جوانان شجاع ملی نمر ندهد و درخت استبداد ایران جز بفداکاری اولاد آن پال و جان نثار و پرومند نگردد، ما است همینکه این عقیده در قلوب یک ملت راسخ گردید سختی ها را نرم و دشواریها را آسان پنداشته از هیچ مدافعه و مقاله در راه حفظ مادر عزیز وطن دریغ نخواهند داشت و چون بیانه صبر و شکیبائی شان بر شود ناچار برای حفظ حقوق خود شان با همسایگان دست و گریبان خواهند شد آن وقت است که ولوله در وسط آسیا بلکه در تمام آسیا اوفند، چه هر یک از همسایگان شان در داخله خود یعنی ممالک سرحدی ابراش مالا دو چار سختی های عظیم اند و همینکه ایرانیان که نقطه نظر مسلمانان عالم واقع شده اند از خود گذشته به پای حقوق طلبی ایستادند از هر طرف همه گریه مشکلات برای همسایگان خود طبعاً تولید خواهند نمود

نموده، این است که یک تاز میدان دانشوری لارده
تسکتن دو مجلس سنا (هوس آف لارده) علانیه بیان
کرد که شدت فشار روس و سکوت انگلیسان بایران
ایرانیان را متوجه هندوستان ساخته است، این فرمایش
(لارده تسکتن) خیلی متین و دقیق است و فرضاً اگر
امروز سرایت نکند و اثر نه بخشد فردا سرایت
کرده اثرات خود را تواند بخشید

ایرانیان از مقتضیات سیاست امروزه دنیا بی
اطلاع نیستند و بخوبی دانسته اند که در قبضه یک
کف از خاک ایران دریای خون در اروپا جاری
تواند گردید و بخون مطلع اند که هرگاه در داخله
ایران شروع بمداخله خارجی شد جنگ سی ساله در
وسط آسیا قائم خواهد گردید و نیز ملتنت اند که
زمانه سختی و ناگواری برای هر یک از همسایگان
شاهم در پیش است، فرضاً اگر صباحی چند بناچار
تسلیم شده و به لا علاجی در جواب همسایگان خود
سکوت نمودند دیری نخواهد گذشت که در موقع
سختی همسایگان به مرکب مقصود سوار خواهند گردید
و راه چاره برای خود خواهند جست، چنانچه امروزه
آلما را کشان کشان به ایران کشانید در مقابل همسایگان
گذارده اند

مآخذ آلمان نیز در وسط آسیا بر هیچ
ذبحی پوشیده نیست و ایرانیان بخوبی بی منافع
آلمان برده میدانند که بمناسبت راه آهن بغداد و
اتصالش به راه آهن آسیای صغیر، آلمان آن کم
توجهی که در مسئله مراکو نمود در ایران نتواند
نمود، بقول جراثد منصف انگلستان آلمان دو نقشه
در پیش دارد یکی جنگ با دولت انگلیس و دیگر
صلح با اوست - و صلح او نیز منحصر به تسلیم
انگلیس است منافع او را در وسط آسیا بمناسبت
راه آهن بغداد میباشد

غالب سیاسیون انگلستان را عقیده این است
که تسلیم شدن به نقشه صلح آلمان مضرتش کمتر است
از قبول نقشه جنگ او - درین صورت هرگاه دولتین
روس و انگلیس دست از فشار ایران برداشته و بمحقوق
مشروع یا غیر مشروع در ادوار سابقه حاصل کرده
وقاعت نمایند قطعاً ایرانیان بهر دسیسه و وسیله که
باشد خویشان را بآب و آتش انداخته ولو قبول
مضرات عظیم باشد خود را در دامان حفاظت
آلمان خواهند انداخت در آن صورت خواه نخواه
چه در صورت قبول یا عدم قبول در موقع
جنگ یا صلح زیان ~~خوبی~~ از ایران مسلم و بلا

حرف است، دولتین باید بدانند که فشار آلمان در
این دو ساله بایران ایرانیان را بقدری منور از
ایشان ساخته که یک هیئت قوی بزرگی بهواداری پلنیک
آلمان در آسیای وسطی تشکیل و روز افزون نفرت
ایرانیان از دو همسایه خود بیش و طرفداران ایشان
در داخله و حتی در دوبر ~~که~~ مایه همه گونه
امیدواری آنها تا امروز بوده کم می شود - هر
صاحب سیاست تسلیم تواند کرد که نتیجه این سوء
ظن و نفرت ملت از آنها و رعیت و میلانسان
به رقیب آنها آلمان در آتی چه نتایج وخیمه
برای دولتین تولید تواند نمود

هرگاه چند سال بدین وضع کنونی بگذرد بر
فرض که آلمان بهیچ وسیله نتواند در داخله ایران
به مقابله دولتین ایستادگی نماید همین رغبت اهالی
باندازه تجارت او را ترقی بخشد که برابری یا برتری
بر دولتین حاصل نماید، مسلم است که تجارت مقدمه
سیاست و همیشه آلمان در تجارت مقابله با
رقبای خود نمود طبعاً جنگ سیاست وی نیز در
آسیای وسطی به تکاپو خواهد افتاد، خصوصاً
وقتی که راه آهن بغداد (که طوی نخواهد کشید) تمام
شود ترقی تجارت آلمان در وسط آسیا حتمی است
بس چیزیکه بتواند ازین مواد طبیعی و صنی
در وسط آسیا جلوگیری از آلمان نماید همانا اتحاد ایرانیان
و همراهی آنها با منافع دو همسایه خود روس و
انگلیس میباشد و اتحاد و همراهی ایرانیان روس
و انگلیس در صورتی امکان پذیرد و صورت خارجی
پیدا کند که دولتین از فشار بناحق ایران دست
کشیده و بمحقوق خویش قناعت ورزیده ایرانیان را
بحال خود گذارند، اگر نفع شان به ایران نمی
رسد از رساندن زیان احتراز کنند

بر هیچ صاحب سیاسی پوشیده نیست که اتحاد
آلمان با عثمانی در مسئله ایران بجهت عده که
یکی از آن جامعه اسلامی ایران و عثمانی باشد از
اتحاد روس و انگلیس قوی تر و دی اثر تراست
ازین و بعد در مقابل اتحاد عثمانی و آلمان دولتین نمیتوانند
فقط خود را دارای حقوق پلنیک در ایران جلوه
دهند چه حقوق پلنیک عثمانی در ایران و روابط
تجارتی و سیاسی این دو همسایه اسلامی داستان
است که در هر سر بازاری هست،

مقصد میل خطوط سرحدی ایران و عثمانی از
دعوت شط العرب و عمره گرفته تا برسد به (بازید)

حسی است که پیش از جمیع وزارتخانه های ما درین دوره کار کرده و زیاده بر جمیع وزارت خانه ما ملت محتاج بدلیه است. ازین رو محفل گذاردن شخصی مانند مشیرالدوله که ساحتش از لون جمیع کثافات پاک است و تعطیل وزارتخانه عدلیه که اولین اساس مشروطیت میباشد (ولو هم موقتی) بهسکندره توجه خاطر عموم را از شخص اقدس منحرف می سازد

از نکات بسیار اہم این خبر استغناء حضرت اشرف بہدار اعظم رئیس الوزرا میباشد چه مقلد و طبعی نمیکند که اخبار از پیش شدن استقضای کابینه اشاعت نمی شود و حال آنکه موقع خطرناک ایران ابدأ مجال ایقدر قہر و آشتی ندارد

امروز وقتی است که آحاد ایران خاصه قانتین ملت چشم از مملایات شخصی پوشیده یعنی از خود گذشته در طریق وطن خواهی خدمت نمایند. اعم بر اینکه مقتضی وقت و سیاست امروزه ایران این گونه قہرها میباشد. این استقامت بی در بی مقام منیع و استقلال حضرت اشرف را لگدار می سازد. حضرت اشرف بہدار اعظم راست که با نیت خاص و استقلال تمام بوذائف وطن خواهی خویش قیام داشته و با حسن نیت مخالفین مسلک خود شان را حالی فرماید. یا اگر آنها بحق اند تسلیم شوند. ظاہر است همه استقلال وطن میخواهند. ممکن است در طریق مشی اختلاف داشته باشیم. درین صورت اگر بیت را خالص قرار دہیم رفع اشتباه از یکدیگر میتوانیم نمود.

امروز که قشون بیگانه در حاکمان توقف دارد. امروز که خارجیان در سرجلب منافع خانه ما مشغول بر کتہ یکدیگر میزنند. امروز که همسایگان سعی اند که سلب آزادی از ما نمایند. خیل مقام تأسف است که خود ما هم سہانہ با جانب دہیم. اولاد ایران امروز باید از مملایات صرف نظر کرده بلکه چشم پونی از بسیاری از حقوق شخصی نموده دست بدست یکدیگر داده کشتی موفان خورده وطن را ازین گرداب مہالک نجات دهند نہ اینکه در عین خرق این کشتی باغراض شخصی سبب سرعت خرق گردیم! اگر چه ما این گونه اشاعات را هرگز تصدیق نتوانیم نمود و دینہ ایم کہ رقباہی ما برای پیش رفت مقاصد خود و کثنت کردن ملت و دولت در انظار خارجه خبی این گونه اخبارات کاذبہ را اشاعت داده اند ولی تبدیل وزارت مشیرالدوله اعم بر صدق و کذب این اخبارات قدری امر را مشتبه ساخته است لذا از وظائف خود می شماریم آنچه خیر ملت و دولت است بنویسیم. و چون نیتان خیر و خالص است امیدواریم از خود را ہم بہ بخشند

متمم یکدیگر و رعایای طرفین مخلوط و مربوط بهم و تجارتشان ہم زیاد و مناقشات سیاسی سرحدی و ممالکشان ہم ہمیشہ در پیش. هر یک در پای تخت یکدیگر دارای سفارت کبری هستند. همین اتحاد عثمانی با آلمان در معاملات ایران سبب میگردد کہ آلمان مقاصد سیاسی را در ایران باسم عثمانی تعقیب نماید. سنگینی این دو کتہ میزانت رقابت یعنی روس و انگلیس و عثمانی و آلمان منوط بنوعه ایرانیان یکطرف است. و در صورتیکہ روس و انگلیس بمحقوق خویش قانع نشدند و از فشار ایرانیان دست نکشیدند بدون حرف جمیع طبقات ایرانیان از روحانین و درباریان و تجار و کسبه و اصناف توجه باطنی و ظاہری بدولتین عثمانی و آلمان نموده بزرگترین شکستهای سیاسی و تجارتی بدولتین روس و انگلیس خواهند رسید.

خدا کند صحت نداشته باشد

روزنامه مارنگ بت مینویسد نظر بہ شکایاتی کہ از حکام ولایات از وضع عدالت خواه ما رسیده بود نایب السلطنہ حکم نموده کہ وزارت عدلیہ اعظم یازده یوم محفل ماند. وزیر عدلیہ بر حسب قانون اطاعت از حکم نایب السلطنہ نہ نمود. و ازین رو سہدار اعظم رئیس الوزرا وزیر داخلہ استقضای خودشان را پیش نموده اند

(جبل اللہین) عجبا کہ ما با این وضع غیر متعادلہ میخواہیم نام مان سر دفتر نکو نامان نوشته آید آیا تصور می شود کہ امروز اسرار و خیابای ما در پیشگاه طلبان مستور ماند. ہیات ہیات ما تزعمون! ما هرگز این خبر را قابل تصدیق نتوانیم نمود کہ حضرت اقدس نایب السلطنہ قصد تعطیل موقتی یا غیر موقتی وزارت عدلیہ کہ روح مشروطیت و قوہ حیاتیہ اسلام است من غیر حق فرماید. حضرت اقدس نایب السلطنہ بدانند کہ تعطیل وزارت عدلیہ کتر از تعطیل پارلمان میباشد. حضرت اقدس البتہ خود شان مسبوق اند کہ از اقتدار و اختیارات قانونی ایشان تعطیل یک وزارت خانه خارج است. عطف توجه حضرت اقدس را بدو نکتہ باریک محطوف میداریم. اول آنکہ شایستہ مقام حضرت اقدس نمیشد کہ اعتدالیون یا انقلابیون را طرفداری نمایند. دوم حضرت مشیرالدوله وزیر عدلیہ علاوه بر اینکه از اولین رجال عالم با سیاست متملم فعال میباشد از سالهای دراز یعنی از مجبوحہ استبداد تا کنون امتحان درست کاری و حسن انتظام داده جوت از امتحانات عدلیہ خورد خالص و بی غش بیرون آمده ازین رو محبوب ترین رجال نزد ملت میباشد. و

آر قون با فضل است

يك حس انتہائی میان مسلمانان در این دوره تازه پیدا و ظاهر شده ، اما بسیار خفیف و خبیلیست و ضعیف ، از جراید اسلامبول دو سه رسالهٔ هفتگی منی و مسلك خود را میخواهند در دعوت مسلمانان به یگانگی و برادری مخصوص دارند و دورنگی را از میان بر دارند و درین خصوص دست و قلم را رنج میزنمایند و گفتارهای نثر و آبدار مینگارند ، سرام و مقصود حضرات خلیل بلند و ارجند است ، ولی باید ملتفت شد که نبق بدان عظمت را پایه و شالودهٔ محکم و استوار لازم است تنها از فضایل اتحاد گفتن و یگانگی را جوش فرشتهٔ آسمان ستودن کافی نیست

این کلمات و معانی همه از بدیهات است هر فرد دوستانی و هر عوام شهری را اگر از مناسد و مدلول آن الفاظ بیرون بگردانند و باز بیاورند دارد چیزی هم بر مناقب آنها میزاید ، بکارنده را فصد اعتراض نیست بلکه بامید اغماض رقتا میخواهم عرض کنم که پیش از شروع بکار ناچارند مقدمه ترتیب کنند و کرتهٔ این ایوان هاپون را نخست روی کاغذ بنگارند سپس دست بکار شوند ، آن مقدمه کدامست و مقصود از کرته چیست ؟ شناساندن اقوام و ملل مسلمین است بیکدیگر ، میان دو ملت وقتی که معارفه و شناسائی نشد طرح دوستی ریختن آب هاپون سودن است و کوه بناخن خستن هیچ سودی ندمد و فایده نبخشد ،

پس از هزار سال خواب و غفلت اکنون هم که بارهٔ دلسوختگان میخواهند جوشش و جنبش بکنند نباید از وسط کار شروع نمایند ، پیروان این دین خفیف چون از اجناس مختلفه مستند و عصرها از همدیگر بجزیر مانده اند و بعضی مردم نکوهیده خوی ناستوده منش هم برای بر کردن کبسه و کاسه خود یا مقتضای نادانی وجهات خویش بیارهٔ تلقیات نالایق و سخنان ناموافق آن دوری و مسامت را تزئید کرده و جمع امت را بیرون از دائرهٔ تصور و قیاس منشئت و پریشان نموده اند ، پس مقدم تر از همه چیز باید طرح آشنائی ساختن سبب بساطت دوستی و مودت برداشت ، بنده تا هسایه و همدیوار خود را نشاسم بخویش و خویش با او نیردازم ، تا شما به احوال و

اخلاق رفیق خویش بی نبرید و واقف نشوید باوی ساز موافقت نسازید و نزد همت نسازید ، اکثریت جماعت اسلام از روزگار و احوال همدیگر بکلی بجزیرند و از فرط بجزیری یکی سر دیگری را بدیده بیگانه مینگرند و گاهی شده است که حرکات گروهی را گروه دیگر آب و ونگ دشمنی داده جوی های خون ناحق بخلاف عقل و منطق بر روی زمین روان کرده اند ، اینها وقایعی است که خامهٔ دانشکفته تاریخ برنگاشته و چشم اشکبار عصر حاضر هم بدیده آثار نکوهیده همه روزه ناظر است ، اگر نخواهیم اندکی پوشیده و دربرده گوئیم موجبات اصلی این کردار های ناگوار را جز به نبودن آشنائی و معارفهٔ کافی بجه چیز میتوانیم حل نموده هنوز میان ایرانی و عثمانی واسطهٔ مغایره منقود است و راه جریان کار های داخلی این دو ملت بروی همدیگر سدود ، هر یک که بخواهد اطلاعی از دیگری حاصل کند باید رجوع باغیار نماید ، از قاصد نامحرم چه میتوان فهمید ؟ هیچ !

دو ملتی که تخمین هفتصد کیلومتر دروازی دیوار همسایگی و هزار قسم بیوستگی مادی و معنوی داشته باشند کجا روا است که رشتهٔ مغایره را محصور داشته و بدست بیگانه سپارند ؟ چرا باید علما و فصلاهی آنها ملاقاتهای مهم نکنند ؟ عوام و خواص آنها در حال تماس نباشند ؟ و کلا و مبعوثین ملتین دید و باز دید نمایند ؟ هیئت های صنایع و تجارتی آمد و شد نکنند ؟ از همه بالا تر روز نامه های طرفین که زبان و ترجمان ضایر ملتند چرا باید به بیان ساده افراد این دو جمعیت را همدیگر نشناساند ؟ حالا شما بقدر قوه فریاد زنیید و از محسنات اتحاد بشمارید چه سود و نمر خواهد داد ، روزنامه نگاران ایتالیا با همه دوری وقتت مناسبات بطهران بجزیر فرستادند ، ولی مطبوعات عثمانی و ایرانی هنوز دروغ های (طمس) و (نورمیا) را اقتباس میکنند و با آن مناسبات نامحدود بهمین مقدار محدود کفایت مینمایند ، جایکه کار و کردار این دو ملت مستقل که در عالم اسلامیت قدر و منزلت مهم دارند بدین راه و روش باشد ؟ روزگار سایر اقوام اسلام سکه بعضی نیم مستقل و غالب متبوع اجانب هستند معلوم است که چگونه و تا چه اندازه سایر

تأسف میباشد

این بریشانی بی پایان اهل اسلام خیلی جای افسوس و دریغ است و باستانی بعضی علت های دیگر باید اعتراف نمود که جهة عمده آن بریشانیها چنانچه عرض شد از عدم آمیزش و اختلاط بوده ~~که~~ سابقه غرور و خود پسندی برادران و خویشاوندان خود را قابل ملاقات و لایق موالات ندیدیم، خویشان را بلند و دیگران را پست و مستمند شمردیم، و مسلماً غرور و نخوت صاحب خود را بدرکه فَلَاکت و کربوه نکبت میکشاند، پس نباید از تیره کی روزگار مسلمین در تعجب ماند، و نیز نباید از توسعه ترقی و آبادی ممالک عربیان حیرت نمود، چه ایشاب دو سه عصر پیش دریافتند که با نشستن پشت دیوار و آمیزش نکردن با اغیار هیچ وجه مایه عزت و اعتبار نخواهد بود، و از مهیات اجتماعی هیچ گری نخواهد گشود، این است که اختلاف مذاهب را کنار گذاشته با همسایگان آمد و شد کردند، در خوبی ها تقلید و در حرفت و تجارت از هم دیگر مستفید شدند، ما هم آرزو مندیم ~~که~~ بقدم و قلم خداوندان حمت و همت نمونه فضایل اسلامیت و آثار ترقیات عصر حاضر را در اقوام اسلام به بینیم، و نیز به بینیم که از مآثر ارجندان بزرگواران مجامع اسلام بویژه ایرانیان و عثمانیان از حال و اطوار هم دیگر مطلع میشوند و از نیک و بد یکدیگر متاثر و متشکر میگرددند، تا در سایه آن شناسائی و آشنائی کامل هر گونه یگانگی و همدستی حاصل و این تعرفه و تشنت منور از طومار حیات اسلامیان رفع و برطرف شود

روز ما بنام و شهرت ساده اکتفا میکنیم ~~که~~ ده ماست پای بهام جدید گذاشته ایم و بدبختانه هیچ تازکی و تجدد در کارها ملاحظه و مشهود نمیشود، چرا؛ زیرا که هنوز بنام و شهرت تنها اکتفا میکنیم، هنوز بعوائد بسیار که معنی وزارت را در شخص خشک و خالی و افاده جمعی میدانیم، جلالت قدر را در بلند گشتن سخن و گوش نکردن اندرز و بند دوستان وطن میپنداریم، دیر دیر بدربار میآیم و زود زود قهر میبکنیم، وزارت امروز حکایت عصر ناصرالدین و تجدد آن روزگار ننگین پست، مهام مملکت و مقدرات امت در آبدار خانه

رأیت نخواهد شد و به تقن و تفریح کوه های مکروه، و خیال مسائل مشکه از دم پای و میان واه ترقی و تکامل هیئت اجتماعیه پراکنده و مغل نخواهد گشت

عصر مزاج و شوخی گذشت وقت جدیت و کار کردن رسیده زبان حال ملت و روح و نمیده ایران به پنهان و درازی مساحتیکه دارد از هیئت وزرا کار و کردار میخواهد، آنها نه بخواهش و طریق بخشش بلکه مدعیانه و بطور آمرانه میخواهد و باید خدمت را آشکار کرد و کینبت را بخلق نشان داد، بقول بگرد و جمع و خرج زبانی هیچکس متقاعد نمیشود و از باز خواست و طلب دست فرا نمیدارد، ازین پس مسند وزارت را بفراغ ابدی و بیع قطعی بکسی نمیتوان داد و کسی هم نباید آعقام منبع را بشرط حیات در انحصار خود داند و با کمال بیوقوفی از علوم لازمه وزارت آنصب جلیل را از لوازم زندگانی خویش شمارد، وزارت خوب است، مایه فخر و مباهات است اگر یارانش ول اسگاری نکنند، حسادت و نفز خوانی نماند، آوزو بچوانان عیب نیست، بنده هم دم نیاید چند صباحی پس از خواب چاشت با مبلدی عنج و عشوه و مقداری ناز و کرشمه دسته را دم در منتظر و گروهی را پیش رو و پشت سرانداخته بروم درباره و چیزی از جریان کار های دنیا ندیده و ندانسته برای صرف عصرانه جایاری بسوی دولتمخانه بتازم، ولی خیر این طور نیست وزارت علم و اجتهاد میخواهد مهارت و اختصاص لازم دارد

فرض کنید تمام امور داخلی و خارجی ملت را بشش یا هفت بخش تقسیم کرده و هر قسمت را یکی سپرده اند، آن يك نفر ازین قرار به بینید چه قدر باید هنرمند و بخرد باشد که از عهده چنان تکلیف عظیم بشایستگی در آید و چوٹ یکی از انجمن رئیس میشود و انتخاب دیگران را نیز بگردن میگیرد از جهت مسئولیت وزارت مختصه خود را و از جهت مسئولیت افراد هیئت را تماماً بدوش خویش گرفته یعنی وزر و وبال شخص منوی حکومت را حامل و تامین سعادت و نیکبختی ملت را متکفل شده است، آت پهلوانیکه پای بچین میدان فراخ گذاشت و دست قریحه و نیروی بازو

بجه آن لابد است برحد کمال باشد، کار کن
 فعال باشد، چون خن و خار خشکیده بر زیر
 پشته ها و تلال بی اراده و اختیار مردم بوزیدن
 بادی و هبوب نسیمی بسوی جنوب و شمال تمایل
 نباشد، مرد سیاسی شدن کاری سهل و آسان نیست،
 ولایت می کرور و عبت افسانه و باز می نیست، باید
 اهداف کرد مروت نمود اگر شایستگی و لیاقت
 نیست، اگر کفایت و اهلیت در خود نمی بینیم،
 شرط انصاف و حکومت وجدان باشارت منوی و
 زبان بزمان فرمان آزوا و عزت میدهد، بهتر آنکه
 گوش کنیم و بگوشه بنشینیم دیده انتظار خلق در
 راه اصلاحات سفید شد، و عموماً از نویدها و تعهدات
 مدید، زمان عمومی مو در آورده، بلاذیکه در زیر
 پرفی بیگانه است فریاد زد که اداره نظام را منظم
 کند و این اصول عشیرتی را که یادگار قرون
 اولی است بقواعد تمدن حاضر تبدیل نماید، مخرج
 کسی رفت و محل توجه و اعتنای احدی واقع نشد
 هنوز کودکان مراهق و سرتیب های مبالغ
 در میدان مشق میحرماند و دست رنج بیوه زنان
 بلوچستان را بنام مواجب و مستمری میبردند، تنگ
 است تنگ، لاقل باید از حضور بیگانگان ملاحظه
 و رعایت نمود، آن دیوارهای بلند که اطراف
 خود کشیده بودیم سیل سحر تمدن خراب کرد،
 حالا اگر انگشت بسوراخ بینی خویش میبریم و سخنی
 آهسته تنگ گوش کسی میگوئیم مردم پشت و روی
 زمین مینگرند و بخوی میشوند و برای پیشبندی
 از حسن علط، تلذیونها، دور بین ها، و خرده
 بیها، اختراع کرده اند تا سهو و اشتباهی روی ندهد
 پس واجب مینماید که حرکات خود را موافق باطبیع
 زمان کنیم و مطابق باسلیقه وقت رفتار نمائیم، زمان
 طمن و سرزشتن جهانیات را بروی خود باز و
 بسوی خویش دراز نمائیم،

سیاسیون فرنگ در تردد اند و هنوز بادیده
 اعتماد و امنیت بحکومت جدید نمی نگرند، باید
 حضرات را از حال تردد در آورد، بد خواهان
 خارجه و دشمنان داخله در کین نشسته، و دنبال
 فرصت و مجال میگردند - باید ایشانرا نیروی عقل
 و تدبیر از نمره هرگونه شیطنت و حیلت محروم و
 مایه نورد، تمام این توقعها بمطالبات بختها ملتاز

هیئت وزرا داد، شا بزرگواران همینک وزرای
 فرنگستانید و در عرض آن آئیناره های علم سیاست
 واقع شده اید، آنها به بند چه دستورالعملهای عالی برای
 ترقی و تعالی ملت خود ترتیب میدهند و شا تاکنون
 يك مسلك مستقیم و يك سیاست متین برای حکومت
 تعیین فرموده اید، چشم و همجوشی خوب چیزی
 است، رقبای شما پیوسته مشغولند این در و آندر
 میدوند، اجحافات خود را میخواهند کسوت حق
 پوشانند، حربه های طریق خلاصی شما را میخواهند
 گودتر بکنند، چه آسوده نشسته اید، بکجا دل باخته
 اید: پیروزی طهران و نگوناری فرزندان شیطان
 نباید موجب نشاط و مایه انبساط دائمی شود، اصل
 شادمانی و کمال خرسندی وفق است که اقدامات
 دربار انگلیس و روس را عقیم و بی اثر گذارید
 و با آنها و دیگران خانه خدائی و مالکیت خود را نشان
 دهید.

این هیئت وزرا یا هر هیئت که خلف خواهد
 شد و بجای آن خواهد نشست هر قسمی که
 هست و هر اعجاز و سحری که میتواند باید در
 محضر عالیشان بکردار و گفتار ثابت و محقق نماید
 که ما دشمن نادانی و جهلیم، خرابی و بیجانی را
 منکریم، آزادی درهای تجارت و سوداگری را
 سخت حای و طرفداریم، تساوی حقوق ملل و
 آسایش عمومی را هر قبیلی که مال شود و هر
 زحقی که صورت کمال یابد نخستین وظیفه و اولین
 ما ده فهرست حکومت خود میدانیم، تا این معانی
 را بالفعل ظاهر نمایند سیاست ثابت نخواهند داشت،
 و هیچکس را از دل و ابسی بیرون نخواهند آورد،
 عزل و نصب معاون ها برای یکوزارت خانه سبب
 اصلاح و سند لیاقت نمی شود، دیده های کور را
 چندانکه سرمه بکشید چیزی از ناینها آنها نمیکاهد،
 تنظیمات لشکری پایه و شالوده درست میخواهد، ما
 اگر نمیدانیم نباید منکر شویم، دیگران پس از عصر
 ها و قرنهای زحمت کشیده و تجربه ها اندوخته اند
 تنها چیزی که برای ما باقی مانده همانا زحمت تقلید
 است، باید همه آنوسایل پیشرفت سبای را با انشکی
 تعدیل استساخت کرده باموزیم، و لاقل بقدر فراهم
 آوردن آسایش داخله لشکر دلاور داشته باشیم، اما
 لشکره را باهزن و هیزم شکن.

آنچه نامی سمت جنوب و صرفت مال التجاره و بعضی پست هوق از نبودن سپاه و راهدار است، آنچه فریاد خلق از تسلیل تجارت و نبودن کاروان از فقدان ترتیب لشکری است باید جواب مسکت داد و حرف مقنع زد، مذبذبه‌های مرسوم را مردم داخله شاید محض حفظ ظاهر بپذیرند، ولی بیگاسگان نکته سنج هیچیک ازین مرجوم‌ها و ابساجت و بزرگواری اغراض نمیکند، و در وقوع هر قضیه يك گام جلو تر می‌آیند و حرفشان آقدر درست و موافق با منطبق است که هیچ عذر و بهانه را گوش نکنند و جمله را به بیوقوفی و تابل حل نمایند، طبیعت و زمان از ما کار میخواهد، تمدن عصر حاضر با وظیفه و تکلیف نشان میدهد، مجبور باطاعت و مامور بمواقت هستیم، هر که در برابر دست بدست مالد با کمال فروشی و ذات از بنجه مهر روزگار تازیانه و بس گردنی میخورد

يك جمله بسیار موزنی بخاطر آمد نکته نخواهم گذشت، بعد از جنگ اخیر روس و عثمانی و انعقاد انجمن صلح در (برلن) هنگام اعضاء مقررات (برنس بسارک) میبند میبند عثمانی خیلی بریشان و درهم است او را بکناری کشیده آهسته بگوشش میگوید. دلتنگی شما بجا است و بدین قدر نام و اضطراب حق دارید ایالت های بزرگ از دستشان میروند، هر که بجای شما باشد بدین مصیبت سخت محزون و مکدر میشود، اما تقصیر با خودتان است نیک بدانید و آگاه باشید جائیکه در ممالک غرب برای بکوجب زمین مردم بجان یکدیگر میافتند دیگر این حرص منوط و این مدنیت مریب بخراب و بی آب ماندن ممالک شرق رخصت و جواز نمیدهد اگر فکر اعمار در منر شما هم راه کند مملکت هانی که باقی مانده برای شما کافست

این کلمات بلند اوام و خرافات نیست از دماغ کسی تراویده که در اواسط عصر نوزدهم سیاست تمام فرنگستان را بقبضه گرفت و ملوک الطوائف جرم را بیک شاهنشاهی بزرگ منقلب کرد، روی این سخنان بسوی حکومت است، خطاب بهوشی است که هنگام ملت را بدست دارد و نباید ساعتی آرام بگیرد و هم نمی تواند گوش خود را از شنیدن این آواز های مؤثر فرو بندد، خواه و ناخواه باید

دعوت واقعه را اجابت نکرد و اوامر تمدن را گردن نهاد، نگارنده را ازین بیانات با کسی قصد غرض و اهانت نیست، و نسبت بهه در خزینه خاطر يك حسن تعظیم و احترام فراوان میروود ولی از در حیرت با کمال افسوس و تأسف میسرمد که جبهه چیست در مدت ده ماه باستانی وزارت عدلیه باقی وزارت خانه ها هیچ تکلیفی بمجلس ملی ننموده و تقاضای هیچ تخصیصی نکرده‌اند، با همه بی ابزاری متصل آثار و علائم کار کردن جناب مشیرالدوله مشهود میشود. جراید خارجه و داخله اقدامات مزوی الیه را منتشر مینمایند، اما سایر وزارت خانه ها مانند اداره مطال خاموش و بیرونشند، و مثل کسیکه از موجود بی خوشنود است ابدأ پیشنهاد قانونی و لوازم اصلاح و ترتیب را بمجلس وگزیدگان ملت تقدیم نمیکند، بر حسب تقسیم اداری هر يك از آن بزرگواران اگر از روی غفلت و یا مستند بذری اندک ماسعه و اهل ورزد نزد خدا و خاق و حضور وظیفه و مملکت مسؤل است ،

من بنده با آنلی که ملو از محبت آنریتت محترمه دارم باتفاق جمیع وطنخواهان بیفرض هرگز بمسئولیت حضرات راضی نتوانم شد، و با صفا و صفوت قلب آرزو مندیم که وزرای عظام در تمام مجالس ظاهری و معنوی سر بلند باشند و ملت را هم بیکبخت و سرافراز فرمایند، دسایس بدخواهان وطنرا سترون و خاک مقدس ایران را از پلیدی دشمن پاك و بالوده نمایند ، و نام هایون خویش را در پیشانی تاریخ دنیا بیادگار گذارند .

علی اصفهان

لا یمیه جناب آقا میرزا حسین خان دانش
(نقل از روزنامه شرفه شمس)
(منطبعة اسلامبول)

باید ترسید و پیش رفت

در سطوری که در زیر می‌نگارم ، می‌خواهم دو مطلب بسیار مهم را که عاجلش در این ایام احتیاج به بیان ندارد مشخص کنم .

اولاً می‌پرسم آیا هوطنان من ایرانیان همه می‌دانند که آنچه (ممالک اسلام) نام دارد تنها عبارت از کشور (ایران) نیست؟

آبایی مانند که (افغانستان) و (ترکستان) و (ترکیه) و (قفقاس) و (هند) و (مراکش) و (مصر) همه در زیر این عنوان مجتمعند؟

آیا این مسئله را ملتفت هستید استقبال هر يك از این ممالك بسته بمشئلهای مختلف و تقدیر هر يك از آنها در زیر حکم قوانین احتیاجات و سیاسات مختلف است؟ آیا مردم ایران و خصوصاً قانین امور آنها بی بدین نکته برده اند که سیاست عثمانی و ایران و هند و مصر و قفقاز نباید شباهت بیک دیگر داشته باشد؟

آیا این متعارفه را میدانند که امروز دین و شریعت هیچ دخل بامور پلتیکی ندارد و اقوام مسلم و غیر مسلم، نصرانی و بی دین و آتشپرست و بتپرست و ممتنع و دهری، زمانیکه سیاستشان اقتضای آن کرد و منعت خویش را در آن دیدند می توانند و باید در يك مسئله و بلکه در مسائل عدیده پلتیکی باهم یکی شوند و در مقابل دشمن عمومی در مقام دفاع بایستند؟

آیا باید در این عصر بیستم میلاد باز یادآوری کرد که اگر روسای روحانی در يك مملکت از حدود منروعه خود بدر آیند و بخواهند استاده از بی خبری جهال بکنند و با سخنان خوش آیند که نزدیک بامزجه مردم عامی و نادان است ایشان را از راه سلامت بدر برد خود مملکت، خود وطن، فوراً در مهلکه خواهد افتاد و از چنین کشور نیم مرده دیگر امید زندگی نتوان داشت؟ آیا زمامداران امور جمهور ما فہمیدند که آنچه اصل است در اداره يك مملکت نگاه داشتن (استقلال سیاسی) و (استقلال ملی) اوست و چون از این دو بگذریم همه فروع است و این دو استقلال ارتباط بسیار شدید و سخت دارد بصادات مألوفه و وقایع گذشته تاریخی آن کشور که هرگز نباید فراموش کرد، و اگر خط سیاست از این روش انحراف کرد هر جہدی که کنیم جزو هواست و هر طریقی که بسیریم عاقبتش هباست؟ آری: ایران امروز جزئی است از کتله آن مملکت که (خطه اسلام) اش می گویم. و لیکن احتیاجات امروزی ایران هیچ کدام از مملکت دیگر اسلام نمی باشد. طبع و مشرب مردمش غیر از

طبیعی و مشارب هندی و مصری و ریک و افغان است. مقتضات سیاستش، روابط پلتیکی، زیانس و حق مذهبش مختلف از دیگران است. تاریخ دنیا - اگر خوب بکنش برسیم - بخوبی با نشان می دهد که تنها يك دولت ایران است که از یک هزار و سیصد و اند سال باینطرف در میان تمام ملل و اقوام مسلم نوالست (يك استقلال سیاسی) و يك (استقلال ملی) نگاهدارد و جوهر اصلی و استعداد نسلی خود را از میان ورطه های میب و بنیاب بر انداز ناستوده در برد و رخت ملبت خویش را از پیش سیلابهای بزرگ خانمانکن سلامت بکنار کشد، از چنان سیلابهای مملکت او بار و موجه های بلابار که دواتهای (روم) و (یونان) قدیم را از اوج حشمت بحضیض مذات فرو کاستند و این دو درخت تنومند تمدن قدیم را از شاخ و برگ و نمر بکلی پیراستند.

ایران در مدت مدید صفحات انقلاب و انقراضش همواره تابع دو جریان مختلف بوده که در آثار و ادوار تاریخش نتیجه آت پیداست. اولاً - استعدادی مخصوص به تقلید و فرا گرفتن عوائد اقوام مغلبه که احیاناً دستخوش طاول و تعرض آنها گردیده داشته است. و ثانیاً - اگر بسبب ضعف سیاسی و عدم غلبه نفوذ ملی بر غاصبان و متجاوزان مدتی اشکر اصالت ایرانی و جوهر نجابت آریانی مدتی منکف و مدفون در زیر خاکستر تخریبات اجانب مانده، اما باز بهر فتنه امیدی و بهر اهتزاز نسیم نویدی که از یکطرف برخاسته فوراً از هسق خویش نشان داده و آتش بخرمن اقبال هند و تاتار و چینال افکنده، بار دیگر ستاره وار در برج شرف تافته و رونق شوکت قدیمی را یافته است. این دو صفت که از مرحله نخستین ادوار تاریخی ایران تا بدوره واپسین از اولاد فریدون و هوشنگ منک نگریده از یکطرف منعت آمیز و از طرف دیگر بسیار زیان خیزست. زیانس در این است که ملت های مقلد صرف که اطوار و مسلک ملل زبردست را بدون تعمیق و غور وسی تنها پذیرفتند و کورکورانه از آن پیروی نمودند و مسلکی بخودی خود و مستقل در این جدلگاه بی پایان که ممرک زندگیایش می نامیم نداشتند بزودی از عرصه

حقی مانند مهرهای شطرنجی بدست روزگار شجده باز بر چیده شدند . و منتش عبارت از این است که اگر شکسته بسته تا امروز ایرانی ولو بویاری بر خریطه دنیا باقی مانده و اگر هنوز نامی از جایندگان ملت اود شیر ساسانی شنیده می شود تنها در سایه این صفت دویمی است که وطنان را نگذاشت بکلی از ساحت موجودیت اقوام سترده شود .

آری اگر بصحائف تاریخ ایران از سربصیرت و امان نظری کنیم ، می بینیم جنس ایرانی هر چیزی را که گیرم که ساخته خود هم نبوده باشد که بدست قبول گرفته ، اگر مشتی خس و حاشاک هم بوده آرا در اصطناء و نوریات بیالای افلاک برداشته در طرف ادوار بسیار مدید خود پیشرو قافله تمدن بود . ولی اگر او داخل این کاربان نمی شد چرخ پیشرفت امور آسیا محققا ایستاده بود . کشوری که از روزیکه از هستی خود در عالم نشان داد یک دم و یک ساعت از هجوم قوافل جنگجوی و تیموری و تورانی آسوده نزیست . کشوری که مدتهای بسیار مدید با ملتهای یونان و روم قدیم جنگید و یکی از مفاخر بزرگ اقوام کهن شد . کشوری که در آخرین منزل تاریخی مظلوم ضربت عرب گردید و در صف پروان آیینی که هیچ مشابهت با کیش قدیمی خود نداشت مسلک شد و با وجود این آفت دین او رسیده را چنان سحت در آسوش گرفت و بدان چنان چسبید که فرسنگها از صاحبان خود کیش در طریق دیداری و دیانت آموزی پیش افتاد ، هیچیک از دانایان بام عرب که در دوره اشراق و افلاق علوم از اسلام برخاستند جز (الکندی) عرب نژاد بودند ، یا ایرانی بودند ، یا سطوروی . باصطلاح عوام کاسه کرمتز از آتش شد ، (فخرالدین رازی) علامه صاحب تفسیر بزرگ ایرانی بود ، (ز محشری) معروف صاحب تفسیر ایرانی بود ، (قاضی بیضاوی) مشهور صاحب تفسیر ایرانی و از مضافات تبریز بود ، (امام فیروزآبادی) صاحب قاموس کبیر که امت عرب را برب یاد داد از فیروز آباد ایران بود ، طائفة (برمکیان) که در زمان هارون الرشید و پسرانش مایه بلندی و احتشام خلافت بنی عباس

شدند ایرانی بودند ، کسانی که خلافت عباسیان بجای امویان نشاندند باز ایرانیان بوده - آنانکه بطواهر احکام دین اکتفا نکرده کنجاویهای زیاد در آن سکردند و در اجتهاد را بر اسلام کشودند باز ایرانیان بودند ، دین اسلام بقدریکه در ایران منتشر و مفرع بفروع مختلف گردیده و در هیچ جای دنیا نشده .

و منت خدای را مدتی است که می بینم این تدقیقات و این موشکافیها از حرمت دیانت بساحت علم و سیاست منتقل گردیده و حالا از خوانندگان محترم می برسم ، اگر همان قوت و غیرت که تاکنون صرف اجتهادات مذهبی شده پس از این با همان شدت خرج کار دیوی و تخصیص مصالح وطنی شود ، کدام خطرست که نتوانیم از پیش برداریم و کدام مقصدست که نتوانیم بدان رسم ؟

ولی در اینجا دو چیز مهم بکارست که نباید هرگز فراموش کنیم ، یکی آنکه احتیاجات امروزی ایران تماماً مانند حواج ممالک دیگر اسلام نیست ، هر قدمی را که در این راه بر میداریم باید اندیشیده نیم و مطلقا سر مشق از قفقاس و هند و مصر بگیریم ، و تفاوت دیگر نیز هست قفقاس و هند و سند و غیره که اکنون در تحت تابیت و نفوذ روس وانگلیس جای گرفته اند اگر امروز بخواهند هم در استقامت جاده ما بیفتند مجال حرکت نخواهند داشت که از ملل تابعه بشمار می آیند ، ولی ایران که (المده لله) شیرازه استقلالش هنوز از هم پراکنده نشده است و می تواند بیای خود راه رود و از این کرپوه خطرناک تواند بگذرد ، باید حساب کار خود را قیاس هند و مصر و قفقاس نماید و از آنها در بوزه نور و تمدن کهنه و ایشان را در امور داخلی خود رخصت تصرف دهد که تأثیرش وخیم است .

تانیاً در هر قانون و نظامی که برای مملکت می گذاریم باید عوائد و قواعد زندگانی گذشته و امروزی مردم ایران را در مدنظر گرفته از نندی و شتاب احتراز کنیم زیرا که از مردمان استبداد دو سه هزار ساله دیده که نرس و تملق و شرکات در عروق و منافسشان رفته نمی توان بر طرف دوازده ساعت یک پارویی و یا یک پارویی ساخت

در هر نسبت تازه که خواهیم کرد باید نخست یاری از خداست چنانچه و تمیق در اطراف و حوائی کار نموده و پس از آنکه مطمئن شدیم که سودمند برای حل ملت است بدون ترس و هراس و تردید باید در آن دست زبیم و اعتماد کامل بنفس خود داشته باشیم که خیر مطلوب همگان در آن خواهد بود .

(هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد)

ترجمه مقاله يك نفر ایرانی در

(دلی تلگراف لندن)

نویسندگان روسی مآب چندبست درستونهای خوش پذیرائی روزنامه محترم شا جنگ حسابی بر ضد ایران برپا کرده اند بخصوص مقاله در نسخه ۲۰ آوریل در تحت عنوان (يك خبر نگاری) که غرض و بی انصافی را از حد و حصر گذارنده .

نویسنده روسی مآب در اخبار مقاله خود ذکر از قرض آلمان کرده با اظهار اطلاع تمام میگوید هیچ قسم محل مالیه برای ضمانت قرض آلمان ایران ندارد، اولاً دولت ایران دیگر محتاج بقرض کوچک نیست تا محتاج از توسل فوری بسرمایه هیچ ملتی باشد. حال که انتظام در تمام ایران برقرار شده و مالیات از تمام ولایات بیای تخت می آید و ترقیات اطافه و قرض در هر يك از ولایات برپا شده، در این صورت اگر ایران قرض لازم داشته باشد قرض کلی به جرئی است، و اینهم مسئله آتیه است نه حالیه ! اما در مسئله محل مالیه برای ضمانت قرض ایران ضمانتهای متعدده دارد، یکی که تازه ایجاد شده و صورت قانونی یافته و مورد اجری گشته مالیات تریاک و نمک است که بسالی هشت کروور تومان بالغ میشود، و در بادیاری مانند معدن طلا است ! و نیز نگارنده روسی مآب میگوید « در قرض انگلیس و روس باریه شرایط برای آن قرار داده شده بود که اطمینان برای دولتین باشد که پول بمحلتهائی که برای آن قرض شده صرف خواهد شد، واقفاناً خیلی مضحك است که ضمانت برای صرف پول بمحلتهای مذید لازمه از مردمانی خواسته شود که سه سال جنگ کردند و همه چیز خود را بخطر انداختند محض تحصیل دو منظور — یکی از آزادی مملکت خود دیگر خرج مالیات

بصرفهای صحیحه لازمه ! اگر دولتین قصد شان نیک و مساعدت بود و قطع میخواستند تحصیل اطمینان از این کنند که پول به مصارف لازمه خواهد رسید، میتوانستند قرض را با قسط اربعه بدهند، اگر میدیدند که قسط اول بمحلتهای نامنه لازمه صرف نشد باقی را ندهند، و باین ترتیب به منظور شایسته نایل می آمدند، نه اینکه گذشته از ضمانت ادای قرض شرایط پلنگی بقرض قرار دهند که اگر طرف قبول شد ایران را از استقلال می انداخت ! در اینجا مدیر روزنامه دلی تلگراف دلائل و شواهد صکه در رد نسبت اغتشاش در طهران و شیع رشوه در تمام طبقات و عدم قدرت حضرت سیدار بر مجاهدین که خیلی گوشه دار بوده انداخته همین چند سطر را عوض گذاشته — که خبرنگار ایرانی، با اعتراضات سخت با اظهارات خبرنگار روسی مآب می کند که گفته فعلاً اوضاع طهران مایه یاس است و تمام قدرت در دست اشخاصی است که مایه خلع محمد علی شدند و اینکه سیدار قدرت کم نسبت بمجاهدین دارد زیرا که رشوه در تمام طبقات درکار است ! و نیز خبرنگار ایرانی ما مینویسد، که دولت ایران تمام قساط ایران قشون و اسلحه که کافی بر قلع و رفع هر قسم اغتشاش باشد فرستاده، و در تمام ایران فعلاً يك نفر باعی بهم نمیرسد که جرأت کند سر خود را نشان بدهد ! شکست مضحله سازنده که قشون دولتی در این چند روز به یکی از طوایف شاهسون (که با رحیم خان متفق در حمله باردیل شده بود) داده اقدامات دولت ایران را در پایمال ساختن عناصر نورش و اغتشاش بکمال آورده، ولی افسوس که در اینجور هم نمایندگان روس در روئی خود بشهود آوردند ! کسانی که از این طایفه شاهسون از تپیه و گرفتاری راه خلاصی یافتند خود را یا بخصك روسیه انداخته یا بقونسولخانههای روس در ایران بناهنده شدند، و این طایفه شاهسون همان طایفه است که میو (اسوالسکی) در کتاب آبی که تازه چاپ شده شکایتهای دردناک از شرارت و تجاوزات آنها میکنند و فرستادن قشون روس را برای تپیه آنها لازم شمرده و خیال می کند که قشون ایرانی بانها کاری

نمی‌توانند نمایند . حالا رؤسای همین طایفه شامسون در سایه حمایت و مهمان نوازی دولت روس خوش میگذرانند . حال که اوضاع و وقوعات در ایران بر ضد تدابیر و پیش‌گوییهای نمایندگان روس روی داده ، و از انطرف هم بختك آلمان هر چندی خودی نشان میدهد هیچ تعجب نیست که پلنیک خارجه روسیه ناخوشی ایران گرفته ، و مسیو اسوالسکی در جستجوی علاج دردرویه لندن برآمده ، بطوریکه خبر نگار شما در تلگراف خود میگوید .

و نیز خبر نگار ایرانی ما مینویسد - نویسنده مقاله روس مآب در آخر مقاله سراپا بافته از موهومات خود اظهار میکند (بااعتدالهام) که اگر بعضی قرار داد ها که مطبوع دو تین باشد دو رئیس معروف ایران بتوانند برای قرض خیل بزرگ بدهند بدون هیچ شک هیچ ملاحظه سپهدار و سردار اسعد را باز نمیدارد که این کونستی نوسپون جدید بی نتیجه را موقتاً معوق بدارند .

دولت روس تقریباً از اوایل سلسله قاجاریه عادت بر این کرده که يك یا دو فرسفيه خانی را از رؤسای حکومت ایران پیدا کرده ، و آنها را آلت پیشرفت منظورات خود در ایران نماید ، و از اثر عادت قدیمه خود هنوز دولت روس در این خیال خام است که میتواند سپهدار و سردار اسعد را هم آلت اجرای مقاصد خود نماید (سپهدار و سردار اسعدیکه خدا کردن جان و مال و قامیل و طایفه ایران را از قید خائشین نجات دادند)

چنانکه مسکرو گفته ام - اگر روسها را آرزومند روابط نیک با دولت ملی ایران است باید روسها فراموش کنند که وقتی بود که در دوره استبداد مشق سیاسيون ابله بودند که پلنیک آنها را روس برای آنها بهر شکلی که میخواست تشکیل میداد! سپهدار اعظم و سردار اسعد هیچ وقت یا سایر ملتیها ذره مخالفت در این نداشتند ~~حک~~ که شرایط انگلیس و روس را لطمه بزرگی بر استقلال مملکت خود شمرده و اول اقدامی در محروم کردن مملکت ایران از هر قسم قدرت که حفظ خود نماید ، و از هر حقی که بتواند بوجدان و حق گذاری ملل اروپا توسل جوید تصور نمایند

چنانکه تمام پیش بینی های روسها واضح با ایران

تا حال بدون استثنا بکلی بی اساس در آمده باز هم آتیہ بروسها ثابت میکند (اگر هنوز نبوی لازم دارند) که در پیش رو محبوب ایران با تمام جان و قوای خود مقاومت خواهند کرد (چنانکه تا حال کرده اند) هر قصدی که برای تقلیل استقلال و آزادی ایران تمهید شود !

▶ قابل توجه وزارت اوقاف ▶

مستندی است از درج این ذریعه در آن جریده فریده مصایفه فرمایند ، شاید بتفاد کریه (ان الذکری تنفع المؤمنین) اثری بر مراض صادقانه مندرجه منرتب گردیده قابل توجه وزارت جلیله معارف و اوقاف شده انتظام موقوفه باین اهمیت ~~حک~~ در مجبوحه قبه الاسلام و محل توجه خواص و عوام اهل اسلام است بصل آید .

مسجد گوهر شاد که امروزه از ابیه عالیه ملت و مملکت شیعی و واقع در جنب عمارات و مزار فایض الانوار حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه است همه زایرین آن علیه عرش درجه آنجا را مشاهده نموده اند و بر هیچ ~~حک~~ بوشیده نیست که چنین مسجدی از حیث عمران و آبادی و کثرت مترددین و عابرین و دا کرین و اهالی منبر در هیچ نقطه از نقاط اسلامی نیست . اگرچه از حیث عمارت از دوسه مسجد معروف از قبیل مسجد الحرام و مسجد ایاصوفیه نمی توان گفت بهتر است لیکن از حیث عمران و زیادی واردین و کثرت ائمه جماعت و اهالی منبر بر همه مساجد تقدم و پیشی دارد اگرچه مسجد الحرام در دو سه ماه ازدحام حاج جمعیت دارد و پیش از این مقام است لیکن در تمام سال که ملاحظه شود جمعیت وارده باین مسجد باضاف بیشتر از آن مسجد مبارک است ، چه را ؟ که این مسجد در جنب حرم محترم رضوی واقع و همواره آن درگاه عرش اجتهاد مطاف طالبان و محل و مقام شیعیان است

بنابش را گوهر شاد آفا حرم محترم و بانوی حرم شاهرخ بن امیر تیمور کورکانی نموده و بر بنیان و عمارات او مالی فراوان صرف فرموده کاشیهای ممتاز او امروز از بهترین یادگار های صفتی قدیم وطن عزیز ماست که در جاهای دیگر عظیم الظهور است ، بیشتر از کتیبه های اوجنط خوش نویسان ~~حک~~

جهان است ، ولی صد هزار حیف که با وجود داشتن موقوفات کافیه هماره باین خوبی در شرف انهدام و هماره بیعت کثافت و بی تمیزی مکن حشرات و هوام است . ابدأ قطعه فرش جز حصر کهنه در همه این بنا دیده نمیشود ، چراغهای او تماماً چراغهای قطعی نمره هفت با لامپهای کثیف که یکماه دو ماه تمظیف و پاک نمی شود ، میان حجرات و شبستانهای او از خشک روبرو نمی تواند آدم نظیفی نماز بخواند آب جاری او مسکه قناتی جاری و وقف بر عبور از مسجد است علی الاصله داخل و خارج شهر فروش می شود و بمسجد نفیرسد مگر جزئی آنها از کثرت دست خوردن و استعمال متعفن و رایحه مسکریه را دار است ، که ناچار هر کس از نزدیک اول جدول آب عبور می کند فوری دماغ خود را با دستمال می گیرد و تمام مسجد بخصوص در تابستان بشدت متعفن است که مسلماً برای عابری غیر مضاد مورث صداع می گردد ، هماره جداول آن مملو از لجن و کثافت است ،

اسرا تازة که واقع گردیده خیلی باعث تحسیر و اندوه اهالی شده حریق هابر جمه اوست که برای عدم مواظبت و نداشتن خادم و فراش درستی چنان منبری که از منبت کاری و خاتم سازی قدیم و درج آیات مبارکات قرآنی بخط نستعلیق خیلی خوب بردور آن ، می توان گفت اولین آتیک و نفیس ترین نمونه صنعت کاری و نجاری قدیم ایران بشمار میرفت ، و بطریق یقین و مسلم چنین منبری در هیچ یک از اماکن منبرکه و مساجد معظمه اسلامی دیده نشده بود ، در شب جمعه آخر ماه صفر معلوم نیست که بچه علی این منبر آتش گرفته و تا بصبح احدی در صد خاموشی او بر نیامده بلکه مطلع هم نشدند . تا اینکه يك مشت خاکستر از وی بجای ماند و کسی هم از متولی و فراشبانی و فراش آن مسجد نپرسید که علت این حریق چه بود و چرا کسی اقدام بر اطفاء او نمود ، و حال اینکه درسی قدیمی او آب جاری موجود بود ،

با این همه اگر این مسجد را موقوفه کافی نبود می شد که بر خود گوارا نمود ، لیکن در چوونیکه موقوفه این مسجد زاید بر اندازه است چنان باید موقوفات او خرج هوا و هوس منولی

و مباشر بشود و مسجد باین عظمت فرشی نداشته باشد چراغ نداشته باشد ، فراش مواظب نداشته جاروب نشود ، تعمیر نشود ، آب و مجرای آن عنق باشد ، خوب است ما مردم قدری از خرابی خجالت بکشیم به بینیم که در تمظیف معابد و کتابس خود بجه اندازه اهتمام می کنند ، ماهم نصف موقوفه را هوش جان کرده نصف را اقلأ بمصرف خود برسانم تا اینکه باقسام مختلف املاک وقف را هبا و هدر کرده منافع آت را کلاه مروارید دوزی برای بچه دو ماهه خود کنیم و مخارج همارت سازی هوا و هوس خود بناییم

معلوم است فراشی را که در سالی يك خروار و بجاه من گندم و دو تومان نقد مواجب بدهند توقع خدمت بهتر ازین از او نباید داشت ، جاروب نمی کند ، نهر را نظیف نمی کند ، تا بصبح بیدار نمی شود ، که اگر منبر که در مقصوده مسجد است مشتمل شود فوری خاموش نباید ، خوب است اینکه که بحمد الله دولت مشروطه گردیده و وزیر اوقاف برقرار شده توجهی باین وقف نموده تولیت آن را بمن له الحق واگذار کنند و قراری صحیح در این موقوفه نمایند که لا اقل در همه این مسجد پنج زرع فرشی که بشود بر او نماز خواند گسترده آید با چراغی که نظیف و پاک باشد داشته باشد

مکتوب از کرمان

یک نفر بهمن نام زردشتی مباشر عبد المظفر خان سرتیب در بروسیر هنگام درو کردن دختر مسلمان را مضروب و مقتول نموده عرض نبوت رسیده ، در شهر بایالت مارض شدند ، بجهایت سرتیب مزبور در پست و بختومان ورنه مقتول را ساکت نمودند ، بهمن نام دیگر دروازه چوپار کشته شده بعد از دو سه روز نش او را یافته قاتل معلوم نبود چون با اسداقه نام چوپاری برای اجاره باعی چند روز قبل گشتگو داشته اسداقه را تحت استنطاق آورده چیزی بر او ثابت نشد او را مرخص نموده مجدد حضرات زردشتی در طهران شکایت نموده اسداقه نام را تحت الحظ بطهران جاب نموده که دو عدلیه طهران استنطاق نمایند

مکتوب از بلوک خلیص

(واقع در کرمان)

خالصه خلیص و مضافات بقدر نصف این بلوک

است که متجاوز از صد سال است دولت بندق
 واگذار بر عیت نموده از جمله دو هزار و شش
 صد بندق آب وزمین است که دولت رعایای خبیص
 واگذار نموده، هر بندق پنجتومان مالیات نقد و جنس
 یکبسته دولت و دو قران حکومت میبرد رعایا نیز
 آب اراضی را تصرف نموده خانه و باغ و اشجار
 مغلستان و نارنج عمل آورده در زمان شاه مرحوم
 مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه که خالصه ها را
 فروختند تمام آنها را وزیر بقایا در پنجاه هزار تومان
 خریده چند سال بندق هفت قران باجاره ماها
 رعایای خبیص میدادند تا اینکه جهانیان آنها را نصف
 از وزیر بقایا نصف از منتضد دیوان خریده بندق
 نه هزار اجاره بسته امسال در کرمان مالیات عارض
 شده حتی سوار فارسی را مامور نموده قریب چهل
 روز آب ماها را از زراعت ممنوع داشته بصحرا
 راه داده که تمام باغات و خانه و صحرا را جلو
 بگیرند، ادعای آنها این است که ملکی از دولت
 خریده باید تصرف نماید عمارات و باغات صد ساله
 شما عمارت فضول است رعایا میگویند صد سال است
 که ماها متصرفیم حق شما اجاره آب زمین است
 بهمان مبلغ که دولت فروخته باید اجاره بگیرد، لکن
 از آنجائیکه عموم مأمورین و ایالت جلیله جداً
 حمایت و همراهی فرموده و همه روزه تلگرافات از
 مرکز نسبت به پیشرفت مقاصد آنها رسیده و
 عرایض داد خواهان متجاوز از صد نفر در شهر
 حکمران پیشرفت نکرد تلگرافات بمركز بوزارت
 جلیله داخله و مالیه لا جواب مانده ایماً بندق
 دوازده قران چهار ساله قبول اجاره نموده تا
 دولت و مجلس مقدس نزعی گرفته عدالتخانه حسابی
 در کرمان پیدا شود رسیدگی فرمایند، ملکی که تجاوز
 از یکصد سال است دولت بر عیت واگذار نموده،
 قیمت نازل وزیر بقایا خریده امروز چهار هزار
 رعیت را در خانه و باغ خود ممنوع داشته صحرا
 های ما را خشک نماید هر چه فریاد زده که آب را
 صحرا داده محصول ما را ضبط نمایند، قبول نشده
 لا محاله بندق پنجتومان ضرر بمحصول ما وارد آمده
 هنوز زردشقی هارا مظلوم و ماها رعایای فقیر مسلمان
 و اعظم خوانند، آیا معنی متساوی الحقوق همین است ؟
 دولت مشروطه همین است ؟ همین است عدالت ؟

امیدواریم اولیای امور باین عرایض ماها غور فرموده
 مامور مخصوص برای احقاق حق ماها نمایند، کسی
 شد که طمع در او نباشد، خالصه دولت را چه
 اشخاص بمنت برده بر عیت این نوع ستم نمایند، آیا این
 خالصه حق خود این ملت که صد سال است آباد
 کرده نیست که خریداری نماید ؟ این يك شعبة جزئی از
 خالصه جات خبیص است که همه را بمنت برده و
 اهالی يك مملکت را از جلوگیری اجناس سائل بکف
 نموده اند، انوس که هنوز آزادی برای ماها
 نیست که حقیقت هر مطلب را قاض نماید

(کرمان)

نظیه اداره انحصار افیون را بخسرو شاه جهان
 و رادرفان واگذار نموده که برای هر انتقال يك
 قران قیمت گرفته هشت شاهی بصاحب مال و هشت
 شاهی بدولت، چهار شاهی حق اداره بردارند، بر
 باطلی مشروبات عرق نیز میگویند يك قران حقوق
 معین شده یهودیان باید اداره نمایند، لکن بازاری
 نشده و باید خریدار يك قران بدهد، معلوم نیست
 مسلمانان يك نیز بواسطه خریداری اقدام دارند یا
 ندارند، مبتلایان افیون اغلب مشغول ترك افیون
 میباشند و امید است بعد از يك سال کمتر کسی
 باقی مانده

ایالت طازم هم شد که در هم با سرداران بلوچ
 قرار حکومت و مالیات آنها را داده باشد عباسقلی
 نام دزد معروف چهار راهی در قلعه ارزویه منزل
 نموده راه بند و راه یزد را میزند از طرف
 فارس جلوگیری نمی شود، از کرمان نیز هنوز اقدامی
 دیده نشده مگر حکومت یزد و کرمان در این باب
 اقدامی فرمایند، فی الحقیقه در جلوگیری سارقین فارس
 مطلقاً اقدامی نشده، در حکومت سهام الدوله نیز تمام
 گول زدن بود که شهرت دادند بیاید اموال خود را
 بگیرد هر کس رفت سند گرفته مالی باو ندادند
 بلکه جائز نیز تلف شد، شاید اینها اطاعت از
 کسی ندارند یا قسمی دیگر است تا اموال امثال
 کرمان را از سارقین فارس نگیرند تمام این امنیت
 ها کاذب است، در حکومت ظل السلطان بمحض
 ورود فارس اموال مردم وا میدادند لکن این
 اوقات دو کرور اموال بلوکات کرمان و ایران
 تمام سارقین همین است که هر وقت نیازند

آنها مطالبه نماید

(جمل المین)

قرار اخبارات موثقه که از سیرجان و رفسنجان و شهر بابل و غیره بداره رسیده بعضی از سارقین خود آنها مأمور کرمانند و معلوم نیست روسای آنها عمداً نمیخواهند آنها را از خود و بجانند با فی الحقیقه نمیتوانند. دزد حاضر مال حاضر کسی تکلیف ادای او را نمی نماید. متجاوز از بجهزار شتر از ایلات عساکر الاهی و شهر بابل بردند حضرات بهارلو و عین اللو. تا فارس امنیت بهم نرسد. اصفهان کاشان یزد کرمان بنادر خلیج فارس خراسان امن نخواهد شد. باین تدارقات رسمی نیز مملکت امن نمیشود حال که بحمد الله حاکم مقتدر صاحب عزم با استعدادی آمده است انشاء الله با نهایت قدرت این مملکت را امنیت داده منابع شورش و فساد را سد خواهد نمود. حکومت فارس اول قدرت و استعداد لازم دارد دویم بصیرت تامه و بدست آوردن تمام کلانتران ایلات بزرگ را که تابع امر ایالت باشند نه اسبابکار عمروزید. و الا این رشته سردراز دارد. خداوند نیست و ما بود باید آن اشخاصی را که ایلات بزرگ ایران را عادت بلذدی دادند. هرگز در زمان صفویه ایلات ایران دزدی و راهزنی نمی نمودند بلکه در سرحدات حافظ حدود بودند دزدی را سنگ دانسته تمام عساکر دولت بودند لکن امروز جز یک جمعیت دزد دغل حرام کار حرام خوار بی دین یاد نمی شوند. وقتی ملاحظه می نمایم این عادات قانین و روسای آنها با آنها یاد داده که کینه خود را بر و در موقع سلب امنیت نمایند. متدرجاً بسایر ایلات فارس و کرمان نیز تاسی نموده بعضی رعیتی دزدی می نمایند.

مکروب از سیستان

مقصود از ایجاد عالم و خلقت بنی نوع آدم همانا علم پیدا کردن بوجود مهربی کل است چنانچه میفرماید (گشت کنزاً مخفیاً فاحبیت ان اعرف) پس برای راه نمائی و ارشاد این مخلوق صکه واسطه بداشتن علم خلقتی ناقص بود یکصد بست چهار هزار و پینصد مرسل و نامرسل از عالم عدم یا بهالم وجود گذاردند؟ و ازینست که میفرماید و (تقد کرمانا بنی آدم) لذا تمام برای تکمیل نمودن جنبه انسانیت

و باز داشتن انسان را بر هر پرستش حضرت خالق بود از روی علم نه از روی جهل. پس ما را فرض است که تمام آنها را هادیان راه هدایت و ارشادان طریق مدنیت بدانیم. چون در حقیقت آنها هستند که ما را از تیه ضلالت و گمراهی نجات داده اند و ما را مستحضر نموده اند از وجود صنایع کل. پس در این صورت بدیهی است صکه اس اساس تمدن و خداشناسی داشتن علم است لاغیر. و بدون علم هیچ یک از ملل قویه قدیمه یا دایره انسانیت و عروج بمعارج تمدن نکرده اند چنانچه کسانی که دست در تواریح دارند مستحضرانند و فرمایش حضرت ختمی مرتبت هم دلیلی است واضح و برهانی است قاطع که میفرماید (اطلب العلم من المهدی الی الحد) بیا علیها واضح و مبهره است که هیچ دولت و ملتی نمیتواند حقوق حقه خود را نگاهداری نماید و کارهایش از مجرای قانونی بگردد مگر با داشتن علم. پس ملتی که لذت علم را چشیده و تربیت شده اند البته مساوی نخواهند بود بملتی که جنبه حیوانیشان مازاد و جنبه انسانیان باشد. و بدین جهت است که میفرماید (هل یستوی الدین یعلمون و الدین لایعلمون) (لا والله) علی ای محوکان چون حوضه ملتیان بواسطه وجود مأمورین ایرانی رونقی بسزا یافت آقایان صلاح بر این دیدند که مدرسه برای اطفال وطن در سیستان افتتاح نمایند تا شاید بمرور ایام از سرگردانی میدان جهالت و نادانی دست برداشته حقوق حقه خود را بشناسند زیرا که هر یک از آحاد و افراد نوع انسان لازم است که برای فهمیدن نوع خود و همراهی و صل و ملت از بذل هیچ چیز مصایقه نمایند چنانچه شیخ سیدی علیه الرحمه میگوید

(بنی آدم اعدای یکدیگرند)

(که در آفرینش زیك گویند)

پس بحداد لیس للانسان الی ما سی - بعد از مهربان و زحمات زیاد موفق با افتتاح دبستان خیریه که اولین کارخانه آدم سازی است که بعد از قرنها در سیستان دائر شده است نابل شدیم. از آقایان سیستانی بجز چند نفر معدود دیگر احدی همراهی و معاونت با این اساس خیر نفرمودند. چنانچه در ذیل صورت اسامی اشخاصی که اسامیه و طمانه

و زبدة الفقهاء الراشدين و اسوة المجتهدین نقة الاسلام و المسلمين مروج شریعة سید المرسلین آقا شیخ محمد مجتهد قزوینی دامت برکاته مصادف که موجب انزجار قلوب طامه اهل علم و طلاب نجف اشرف خاصه انصکار قلب مبارک حضرت اقدس محیی الشریعة والدین آیه الله علی العالمین آقای خراسانی دام ظلّه العالی علی رؤس المسلمين کردید ، چون این نحو مطالب نسبت بساحت مقدسه علماء مالمین و مروجین شرع مبین موجب اغواء عوام و اضلال آنها از طریقه هدایت میشود لهذا باین خدام شریعت مطهره لازم شد که شرح حالات آن بزرگوار را مجملأ عرض نمایم مبدا وهی نسبت بناحیه مقدسه علماء اعلام دامت برکاتهم وارد شود که وهن آنها وهن بر شرع مقدس نبوی (ص) است

حضرت مستطاب شریعمدار نقة الاسلام مروج الاحکام آقا شیخ محمد سلمه الله تعالی سنین متبادیه در نجف اشرف در حوزه علمیه حضرت مستطاب اوحده علماء عصر قطب فلك فقاہت و اجتهاد و مرکز دائره بحث و انتقاد محیی الشریعه و حامی الشیعه المجاهد فی سبیل الله حجة الاسلام والمسلمین آیه الله علی العالمین آقای آخوند دام ظلّه العالی تلمذ و از اول تلامذه و مقرر درس حضرت ایشان و از عداد علماء متدینین و مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف محسوب بود. بعد از مراجعت از نجف اشرف شش هفت سال در طهران متوقف و در این مدت اقامت در طهران تمام وقت شان مصروف در ترویج شریعت حضرت ختمی مرتبت و تدریس مباحث علمیه سطحاً و خارجاً او قائم جماعت بوده بهیچ نحوی خلاف قانون شرعی و سیاسی از جناب ایشان مشاهده نشده و اوصاف حمیده ایشان در هر جا که متوقف بوده اند کالشمس فی رابعالانهار محتاج به بیان و اظهار نیت و از جمله مشروطه خواهان صحیح حقیقی هستند ، در مشروطه صغیره زحمت و ابتلاء ایشان در بین اهالی طهران خصوص اهالی محله دروازه قزوین معروف و مسلم بعد از انہام مجلس مقدس خائفاً بترقب از ظلم استبدادیان اهل خود را در طهران ترك نموده و خود مجرداً بارض اقدس خراسان مشرف شده

اهالی قزوین بواسطه فقدان شایستگان جامع

داده اند معلوم میشود ، قط کسی که الحق در پیشرفت این مدرسه مضایقه از هیچ چیز ننکرده است وجود محترم آقای میرزا محمد رضاخان سرتیپ است که در اقدامات خیر از بذل جان و مال مضایقه ندارند، چنانچه بعد از همراهی های زیاد در روز جمعه ۵ ربیع الثانی که در مدرسه امتحان بود الحق اطفالی که هیچ نمیدانستند بعرض سه ماه چنان از تقریر درسها و امتحاناتی که میکردند بیرون آمدند که حضار مجلس صدا بافرین و تحسین بلند کردند مجلس جناب میرزا محمد رضا خان سرتیب که مدیر این مدرسه قرار داده شده اند امر فرمودند که یازده دست لباس از هر جیب برای شاگردان بجای بدوزند چنانچه تفصیلی که در خصوص اسامیه و ماهانه عرض شده است مستدعی است که در حریده مقدس درج فرمایند تا زحمت و همراهی های جناب ایشان پوشیده نماند.

فدائی وطن اسمعیل

صورت اشخاصیکه ماهانه واساسیه داده اند

اسامیه	اساسیه	قران	اسامیه	قران	ماهانه
جناب محمد رضاخان سرتیب	۱۵۰	محل مدرسه	۱۰۰		
جناب ملا محمد مهدی مجتهد	۱۰۰	فرش و ایامدرسه	—		
جناب سردار سردل خان	۱۰۰	—	—		
جناب میرزا صادقخان	۶۰		۱۰		
جناب میرزا علیخان سرهنگ	۵۰		۵		
جناب میرزا عبدالحمیدخان	۶۰		۱۰		
جناب آقای حاجی خان	۳۵		۵		
جناب میرزا حسین خان	۰		۷		
جناب میرزا ابوالقاسم خان	۱۴۰		۱۰		
جناب میرزا صمد خان	۱۵		۰		
جناب میرزا اسمعیل خان	۶۰		۱۰		
میرزا اسمعیل خلیف	۲۰		۰		

دو سه نفر دیگر از آقایان هر کدام یک تومان و یازده قران داده اند که اسم ایشان از حاکم محو شده

توثیق و تصحیح عمل از مجتهدین نامی چون در شماره ۲۶ از جریده فریده جبلالمتین مورخه ۲۷ ذی الحجه بنقل کلامی و شرح جانگدازی در خصوص حضرت مستطاب عمدة العلماء العالمین

قدیمی در بن خود شان جناب معظم الیه را مجدداً طالب، بعد از اصرار علماء اعلام خراسان خصوص حضرت مستطاب حجة الاسلام آقا میرزا محمد مجتهد آقا زاده دام ظلّه العالی جناب ایشان خواهش اهل قوجان را اجابت نموده و از ناحیه مقدسه حضرت مستطاب آیه الله علی الامام آقا می آخوند دام ظلّه العالی تکلیف جات عدیده سفارش باهالی قوجان و مردم آنجا در احترام و ترویج ایشان رفته باین ملاحظه ترویجات شرعی در خود قوجان و سایر حدود آن از جناب ایشان بروز تا می یافته و هر کس از اشخاصی که بدون اهلیت مستدی امور شرعی می شده اند و ظلمبائی که از اهالی ظلم مردم می رسیده منع شده زحمتی زیاد در اعلاهی کلمه حقّه و تاسیس اساس قویم مشروطیت مقابل تمام قوای استبداد حکومت ایلی و سرحدی کشیده.

لذا در قوجان قبل از سایر نقاط اطراف خراسان انجمن ولایتی را دایر و تقویت زیادی باین ملاحظه در پیشرفت مشروطیت خراسان شده باین وسیله ترویجی هم از جناب ایشان ظهور یافته، من جمله اینکه زنی ما بودن زوج دائمی شوهر ثانی اختیار نموده بعد از نبوت شرعی خدمت جناب ایشان و تمام علمای قوجان و تبین امر نزد تمام اهالی با اجتماع شرائط شرعی و سیاسی حضور اهل علم و عامه اهالی و غیر هم از یهود و نصاری با امضاء انجمن ولایتی و حکومت قوجان آن زنی را رجم نموده بواسطه این مطلب ترویج خوبی از شریعت شده و سایر زنان فاحشه از عمل خود دست کشیده در این صورت باید مخفی نماید اینکه اهل علم و طلاب و سایر مسلمین مجاهدین اینقدر که مجاهد، بحر العقاد مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه نمودند به ملاحظه اینکه علاوه بر توأمیت حفظ استقلال و شرف دولت علیه شیعه یا مشروطیت است ترویج امور شرعی و امر بمعروف و نهی از منکر هم بواسطه او پیشرفت داشته باشد، حال را بعضی معاندین و حاسدین سلسله جلیله حوزه علمیه و هوا خواهان شجره خبیثه استبدادیه جل اکاذیب نسبت به اکابر علماء محترمین و روحانین و سر حلقه اهالی انجمنهای بلاد مینمایند تا اینکه وهنی بنساجیه مقدسه

فاسد خود شان که هرگز نخواهند رسید انشاء الله البتّه صاحبان ادارات جرائد باید ملتفت باشند که مشروطه خواه حقیقی کسی است که اطاعت علماء و روسای روحانین و موافقت قانون اساسی که موجب اجراء قوانین شرعیه است فریخته ذمه خود قرار بدهد، کما اینکه بر واضح است که توهین آنها توهین خدا و رسول و ماعت اضحلال دولت و ملت و ندمه در شریعت حضرت سیدالمرسلین است در این موقع این خدام شریعت و طلاب علوم دینیّه خصوص طلاب خراسانی متوقع از صاحبان جرائد خصوص مدیر محترم جبل المتین اینکه بعد از این مجرد مکاتبه بعضی از مفرضین سلسله اهل علم بدون تحقیق از حوزه علمیه نجف اشرف توهین علماء اعلام را فرموده و فعلا هم جبران وهنی که نسبت باین شخص حلیل وارد شده فرمایند و عکس ما سبق را نسبت بآنجناب انتشار دهند، انشاء الله مضایقه بخواهند فرمود صاحبان مکتوب (حوزه علمیه نجف اشرف و خصوص طلاب خراسانی) حجة الاسلام آیه الله علی الامام متع الله المسلمین بطول قائمکم، چنانچه خاطر مبارک واقف است جناب مستطاب عمدة العلماء العاملين و قدوة الفقهاء والمجاهدین آقا شیخ محمد قوجانی سلمه الله تعالی در قوجان متصدی در وظایف شرعیه صحه راجع بحاکم شرع است و بعضی از آثار خیریه هم بواسطه وجود جناب ایشان در ولایت ظهور یافته بدین وسیله بعضی از مفرضین و معاندین سلسله جلیله علماء القاه شبهه و اضراء اهل جرائد را عمده اند، در قدح جناب ایشان چون این مطلب موجب هتک اهل علم است محض رفع شبهه متمنی است آنچه از اهلیت جناب مشار الیه در تصدی امور شرعیه بر حضرت آیه الله معلوم است در صدر ورقه مرقوم فرمایند تا حفظ شئون ایشان بشود.

ادامه عنکم العالی علی رؤس المسلمین

(بسم الله الرحمن الرحيم)

جناب مستطاب معزالیه از اجله علمای اعلام و لازم الاحترام و هتک و توهین ایشان توهین شرع آورد و موجب ملالت صاحب شریعت مطهره است.

الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

(بسم الله الرحمن الرحيم)

و فقهاء اسلام است، هتك و توهين جناب ايشان هتك و توهين به شرع مطاع است.

حروه الاحقر عبدالله المازدرای

(جبل المتين)

اعضای این اداره اسلامی کمال تأسف را دارند که چرا باید وقایع نگار قوجان بدون تحقیقات لازمه و یا خدای مخواستہ از روی اعراض شخصی در حق علمای عامل که پشت و بناء دین و دیای مسلمین و رکن و کین مشروطیت ایران بشارند واقعات را با لہجہ توهین آمیز بیان نمایند، و این نامہ اسلامی را نادم سازید، و اگر من بعد این ملاحظات دقیقه را وقایع نگاران اداره نمایند ناچار اسامی آنها را آشکار خواهم داشت.

مراسله يك از حجاج

موافق قانون که تذکرہ حجاج ایرانی را معادل سه مجیدیه نقره قیمت قرار گذاشته شده قونسل ایران با کمال اقتضاح از هر فرد حجاج ایرانی يك عدد لیرہ طلا حکماً گرفت و نام نهاد که اضافت جبهہ اطمانہ مکتب و مریضخانہ ملی اسلامبول است و حال اینکه بجز از پنجاه لیرہ طلا بکتب و مریض خانہ اسلامبول چیز دیگر نداد. علاوه آنقدر در آن صنجات نمود که موجب خجالت و شرمساری ملت و دولت ایران گردید، چنانچه شریف مکہ سه ساعت بر با ایتداده در حضورش نگہداشته بعد اذن جلوسش داد آہم با کمال حقارت، نقطہ مقابل او حییب حاج قونسل سابق آدم مقولی بود همین دو مأمور را در خیال خودتان مقایسه کرده بسنجید و انصاف بدهید، چرا حالا تمیز و فرقی نگذارند و مکافات خادم و امین و مجازات منسبین خاین را بدهند کہ عبرت بسایرین بوده باشد، تا کی ایچور چیزها باید مستور بماند و در دل نهفته باشد، چون آنجناب بیدار کنند این مہشت ملت فلکزده بیچاره هستید و تعصب ملی و عبرت دینی دارید، لهذا من باب اطلاع این صاحب عرض نمودم.

مکتوب از شیراز

البته از چگونگی اتحاد بزرگی که در حباب مجلس مقدس تشکیل یافته اطلاع دارید اینک عین تلگراف جناب صولت الدولہ را کہ بطهران بخارہ

نموده اند با سواد اتحادنامہ برای درج در جبل المتين تقديم میدارم

تلگراف جناب صولت الدولہ بطهران

آقای حاجی محمد کریم خان وکیل محترم قشقائی چون حب وطن و حصول مقصود مقدس مشروطه هم وقت در کانونم جریان دارد و مجلس مقدس امروز محتاج حامی است معاهده و ژوسای جنوب در خدمتہ بوطن نموده اند عین مضمون آت بخارہ شد بنظر مبارک اعضای محترم مجلس مقدس و حضرت اشرف رئیس الوزراء برسانید. کپیہ ہم بجا بدهید (اسامیل قشقائی)

(صورت معاهده مذکورہ)

با وجودیکہ نتایج اتحاد و نواید اتساق و دانشمندان هزاران بالنسبہ مختلفہ توضیح و بیان نموده اند و بر هر ذی شعوری ثابت است کہ (دولت همه از اتفاق خیزد۔ بیدولتی از نفاق خیزد) افسوس کہ این گوهر گرانبہا در وطن عزیز ما ما بی قدر و قیمت است، در اکثر اہالی این مملکت از خواص و عوام جز اعمال اغراض نفسانی چیز دیگر مشاهده نمیشود در صورتیکہ امروز تمام دانشمندان عالم سیاست و پلٹیک برای علاج وطن مریض عزیز ما جز اتناق و وداد داروش نیافتہ و غیر از اتحاد دوائی نشان نداده اند، بناء علی هذا این خدمات وطن کہ آغاز ظهور مشروطیت ایران جنت توامان حق القدرہ والامکان بدون غرض و بی طمعانہ در حصول این مقصود مقدس جہد وافی نموده و فواید حسنہ اتحاد را ہم دانستہ ایم، از این تاریخ کہ غرہ شهر ربیع الثانی یکہزار و سیصد بیست و ہشت ہجری مطابق سال فرخندہ قال ایتیل خیریت دلیل است عقد اتحاد و عهد اخوت و وداد را بموجب آن عہدنامہ باہم محکم و برقرار نمودیم و مادام الحیات بلوازم و مقتضیات یگانگی و برادری دربارہ یکدیگر نموده کل عشار قشقائی و اصراب والوار را عشیرہ واحدہ فرض نموده اجرای مواد ششگانہ مندرجہ ذیل را ذمہ خود دانستہ متحداً بقدر الامکان کوشش نمائیم، شاید بفضل اقلہ تالی وطن عزیز را از گرداب ہلاکت خلاص نموده و بساحل نجات و سعادت قریب سازیم، حضرت رب العزت و اولیای گرامش را در میانتہ خود حکم و گواہ قرار دادیم کہ از لوازم و مقتضیات